

صبح امید

(نگاهی به مبحث مهدویت و انتظار)



کتاب‌های گل محمّدی



نویسنده: جواد محمّدی

تصویرگر: محمّد حسین صلواتیان

تهیه: مؤسسه فرهنگی انتظار نور

بیت‌های گیتی



سوره ابراهیم

صبح امید

(نگاهی به مبحث مهدویت و انتظار)

گروه سنی «د» و «ه»

نویسنده: جواد محدّثی

تصویرگر: محمد حسین صلواتیان

تهیه: مؤسسه فرهنگی انتظار نور

بوشهر



۱۳۸۳

printed in the Islamic Republic of Iran

فهرست

۵	مقدمه
۹	فرزند موعود
۱۲	از تولد تا شش سالگی
۱۵	دوران غیبت صغری
۱۸	چرا غیبت؟
۲۱	بیشتر بشناسیم
۲۴	پیشینه عقیده به منجی
۲۸	طول عمر
۳۲	تکلیف عصر غیبت
۳۷	انتظار فرج
۴۲	او کجاست؟
۴۶	دیدار
۵۱	مدعیان دروغین
۵۵	یاران مهدی (عج)
۶۱	زمان ظهور
۶۴	علائم ظهور
۷۰	چگونه و از کجا؟
۷۴	غلبه بر قدرت‌ها
۷۸	جهان در عصر مهدی (عج)
۸۳	و... فرجام!
۸۸	کتاب نامه





دوست عزیز، نوجوان گرامی

سلام

کتابی که انتخاب کرده‌اید، حاصل تلاشی است از باغ بزرگ اندیشه مهدویت. مهدویت یعنی اعتقاد به امام زمان (عج)؛ یعنی با امید دیدار او زیستن، یعنی تلاشی پر برکت، با نتیجه‌ای مطمئن و ماندگار؛ یعنی پیروی آگاهانه از امامت و بهره‌گیری از چشمه زلال راهنمای راهنمایان و بالاخره مهدویت یعنی با انتظار ظهور منجی عالم بشریت، دنیای پاک و آسوده داشتن.

این کتاب را تقدیم می‌کنیم به همه نوجوانانی که نام و مرام‌شان مهدی است. در این جا شایسته است او تلاش ارزشمند نویسنده توانا، حضرت حجة الاسلام والمسلمین جواد محدثی که این کتاب، حاصل کار ایشان است، تشکر بنماییم.

از عزیزانی که در تدوین این اثر نقش داشته‌اند، تقدیر می‌شود:

مسئول گروه: نظارت و هماهنگی: محمد قربانی

پیگیری: عبد... ایزانلو

ویرایش: عباس عبیری و رضا مصطفی‌لو

حروف نگاری: روح... محمدی و جواد امینی قمی

نمونه خوانی: علی کرمی، محمد شفیع شفیعی و علی رضا روحانی

صفحه آرایی و کنترل فنی: علی دانشور

طراح آرم: کاظم طلائی

اللهم عجل لمولانا صاحب الزمان (عج) الفرج

خداوندا! گشایش را در ظهور سرور امام زمان (عج) مرحمت فرما

مؤسسه فرهنگی انتظار نور

وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

مقدمه



بال در بال پرستوهای خوب می‌رسد آخر، سوار سبز پوش
قرن‌هاست که میلیون‌ها دل بی‌قرار و عاشق، چشم به راه آمدن انسانی
بزرگ و الهی از خاندان پیامبر اسلام‌اند، تا با آمدنش جهان به سامان برسد و
عدالت جهانی حاکم شود.

آن شخصیت موعود را به نام «امام زمان» و «حضرت مهدی» (عج) می‌شناسیم.
راستی... او کیست؟ کجاست؟ چرا از چشم‌ها پنهان است؟ چه می‌کند و
کی خواهد آمد؟ وقتی بیاید، جهان و مردمان چگونه خواهند شد؟ او چگونه
خواهد توانست دنیا را اصلاح کند؟ یاران او کیستند و نیروی او چیست و از
کجاست؟ در این همه سال، چرا غایب است؟ آیا می‌توان او را دید و دیدنش
چه شرایطی لازم دارد؟ آیا تا به حال کسی او را دیده است؟ چهره دوست
داشتنی او چگونه است؟ پس از آمدن او دنیا چه خواهد شد، آیا به آخر می‌رسد؟
یاران او چه کسانی و چند نفرند و آیا ما هم می‌توانیم از یاوران او باشیم؟ آیا غیر
از مسلمانان، کسان دیگری هم هستند که منتظر یک «مصلح جهانی» باشند؟
این‌ها و بسیاری سؤال‌های دیگر درباره امام زمان (عج) و پیشوایی که همه چشم
به راه ظهور اویم، در ذهن‌های پیروان و منتظران است.

شما نوجوانان عزیز، دوست دارید او را بیشتر بشناسید تا بیشتر دوستش داشته باشید. او انسانی برتر از انسان‌های معمولی است. او ذخیره خدا برای نجات بشریت است. پس ویژگی‌های او هم با دیگران متفاوت است. این که خدایمی خواهد روزی جهان را به عدالت و مردم را به سعادت کامل برساند، وعده درستی است. این خواسته خدا هم به دست او انجام خواهد گرفت.

می‌خواهیم او را بهتر بشناسیم تا محبت ما نسبت به او زیادتر شود.

معتقدیم که «معرفت» او ما را به «محبت» او می‌کشاند و محبت و علاقه به او هم ما را در مسیر «اطاعت» و همراهی و همسویی با او قرار می‌دهد.

این‌طور بهتر می‌توانیم خدا را عبادت کنیم و مسلمانی خویش را نشان دهیم، زیرا خداوند بزرگ، پیامبران و امامان - علیه السلام - را سرمشق و الگو

قرار داده است. امروز، الگوی زنده و کامل برای هدایت و کمال، حضرت مهدی (عج) است. شناخت او و کسب رضای او، ما را به

رضای پروردگارمان می‌رساند. «امام‌شناسی» برای ما یک تکلیف

است و عمل طبق خواسته امام،

تکلیفی دیگر.



در این کتاب، پاسخ بسیاری از سؤال‌هایی که درباره حضرت مهدی (عج) دارید، خواهید دانست، آن هم با بیانی ساده و شیرین، که زوایای این عقیده و فکر و باور دینی را روشن‌تر سازد و جان را در سایه یک ایمان روشن، آرامش و صفا بخشد.

بی شک، زیستن در حال و هوای چنین محبت و معرفتی، زندگی را لبریز از صفا می‌سازد و این انتظار، چشمه‌های امید را در دل‌ها جاری می‌سازد. چشم به راه آمدن کسی هستیم که روح زندگی و جان هستی است.

بر هم زنید یاران، این بزم بی صفا را

مجلس صفا ندارد بی یارِ مجلس آرا

بی شاهدی و شمع‌ی هرگز مباد جمعی

بی لاله، شور نبود مرغان خوش نوا را

بیگانه باش از خویش، وز خویشتن میندیش

جز آشنا نبیند دیدار آشنا را^۱

و... راستی، اگر نام و یاد و عشق آن محبوب جان‌ها بر زندگی‌ها سایه افکن

نشود و شوق دیدار و انتظار در میان نباشد، به چه امیدی می‌توان زیست؟

خدایا! حجت خویش را به ما بیشتر بشناسان و دیدار رویش را نصیب جان‌های

شیفته ما بگردان.

جواد محدثی - حوزه علمیه قم



۱. آیه الله غروی اصفهانی (کمپانی).

باز هم،
 جمعه است و روز انتظار
 باز هم،
 حرف دل به یاد یار
 از تو گفتن، ای امید عصرها
 مثل شعر تازه‌ای سرودن است
 ما در ابتدای جاده امید ایستاده‌ایم
 چشم و گوشمان به انتظار یک صداست،
 یک صدای آشنا
 دل، جدا زیاد تو
 آشیانه‌ای خراب و بی صفاست
 یاد سبز و روح بخش تو
 یاد لطف بی نهایت خداست
 کوچه باغ سینه‌ام،
 ای گل محمدی به عطر نامت آشناست
 آن که در پی تو نیست، کیست؟
 آن که بی بهانه تو زنده است، در کجاست؟^۱

فرزند موعود

بهشت، غیر تماشای صبح روی تو نیست

بهار، جز نفس پاک مشکبوی تو نیست

سال‌ها پیش از تولد فرزندی که از او سخن خواهیم گفت، درباره‌ی او حرف‌های بسیاری گفته و نقل می‌شد. از زمان پیامبر خدا (ص) و از زبان او، درباره‌ی کسی سخن گفته می‌شد که از نسل اوست و در آینده به دنیا خواهد آمد و جهان را پر از عدل و داد خواهد ساخت.

این پیشگویی، از سویی مؤمنان و پیروان حق و ستم‌دیدگان تاریخ را خوشحال و امیدوار می‌ساخت و به آینده‌ای بهتر و روشن تر نوید می‌داد، از سویی هم ستمگران و قدرت‌های باطل و زورگویان را نگران می‌ساخت. امامان دیگر که جانشینان حضرت محمد (ص) بودند، هر کدام در زمان خود و به نوبه‌ی خود، مژده‌ی آمدنش را می‌دادند و درباره‌ی ویژگی‌های او و انتظار و وظیفه‌ی مردم در این مدت و خصوصیات دوران حکومت جهانی او سخن می‌گفتند. این سخنان نورانی، مجموعه‌ای از احادیث را تشکیل می‌داد که دهان به دهان و سینه به سینه نقل می‌شد و راویان آن‌ها را در کتاب‌ها و دست‌نوشته‌های خویش

ثبت می کردند. در روایات، از او به عنوان «قائم آل محمد» یاد می شد.^۱
ولی آن قائم که بود و این لقب بر کدام یک از امامان تطبیق می کرد؟

گاهی از بعضی امامان می پرسیدند: آیا شما «قائم» هستید؟ می فرمودند:
همه ما قائمیم، ولی آن قائمی که وعده آمدنش داده شده، آخرین امام و نهمین
فرزند از نسل حسین بن علی (ع) است و خداوند به دست او جهان را اصلاح و
همه ستم ها را نابود کرده، عدالت را در همه گیتی حکمفرما خواهد ساخت.^۲

با این حساب، پیش بینی می شد که در کنار مشتاقان و دوستانش، دشمنانی
هم داشته باشد که در کمین باشند، تا اگر به دنیا آمد، نابودش سازند. همان گونه
که مژده ظهور حضرت موسی (ع) برای نجات قوم بنی اسرائیل، قدرت های
فرعون را هراسان کرده بود و برای پیش گیری از پیدایش و تولد او، فرعون چه
نقشه ها که نکشید و چه نوزادان پسر را که نکشت.^۳ ولی تدبیر و برنامه خدا، بر
خواسته و نقشه فرعون چیره شد و موسی (ع) پنهانی به دنیا آمد و بزرگ شد و به
پیامبری رسید و قوم ستم دیده بنی اسرائیل را نجات داد و فرعون و سپاهیان
در رود نیل غرق شدند، تا عبرتی برای ستمگران باشند.^۴

خلفای عباسی امامان شیعه را زیر نظر داشتند، چون می دانستند که آن «موعود»
از نسل اینان است؛ به خصوص از زمان امام هادی و امام عسکری (ع) کنترل و
مراقبت شدیدتر شد. هم امام هادی و هم امام عسکری (ع) به اجبار در سامرا در
یک منطقه نظامی به سر می بردند، تا بیشتر زیر نظر نیروهای دستگاه خلافت
باشند.

چون امام عسکری (ع) در عسکر (لشکر) تحت نظر بود، به این نام مشهور

۱. به عنوان نمونه: کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۹۷.

۲. به عنوان نمونه: مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۲۶.

۳. قصص (۲۸)، آیه ۴.

۴. همان، آیه ۱۰.

شده است.

از آن جا که خدا می خواست، تولد این نوزاد موعود نیز، معجزه آسا انجام گرفت و از گزند دشمنان محفوظ ماند.

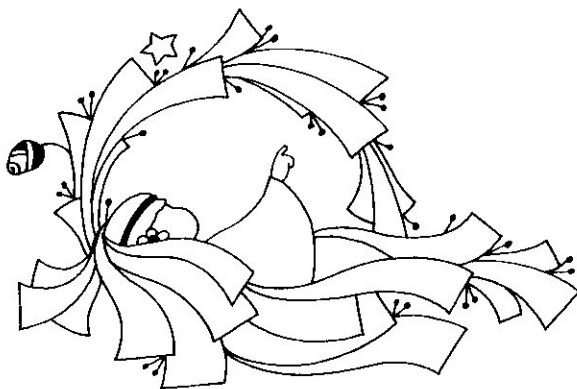
اکنون نحوه این ولادت شگفت و ویژگی های این مولود فرخنده را مرور می کنیم، مولودی که آمدنش نسیم حیات و روح امید آورد و سیمای زمان را طراوتی نو بخشید.

بوی گل در آسمان پیچید
شور و شوق تازه ای بخشید^۱

آمدی با مژده ای شیرین
مژده ات دل های غمگین را



۱. علی اصغر سیدآبادی.



از تولد تا شش سالگی

۱۲

سید

صبحدم بیک مسیحا دم جانان آمد

گفت: برخیز، که آرام دل و جان آمد

۲۵۵ سال از هجرت می گذشت. پیشوای یازدهم، امام حسن عسکری (ع) بیست و دو ساله بود و سال ها بود که در کنار پدر بزرگوارش در «سامرا» می زیست. و پس از شهادت پدرش امام هادی (ع) امامت شیعه را بر عهده داشت و تا آن زمان پسری نداشت. برای شیعیان سؤال بود که پس از وی، امامت به چه کسی خواهد رسید. اما در سپیده دم نیمه شعبان سال ۲۵۵ نوزادی در خانه آن حضرت به دنیا آمد که امام، چشم به راهش بود. وقتی بانوی بزرگوار، حضرت «نرگس»^۱ این پسر را به

۱. نرگس (یا: نرجس) دختر امپراتور روم که نامش «ملیکا» بود در پی خوابی شگفت، دلباخته امام عسکری (ع) شده بود و مسلمان گشت. وی در یکی از جنگ ها که میان سپاه اسلام و رومیان پیش آمد، همراه جمعی به اسارت در آمد. امام علی النقی (ع) کسی را فرستاد که او را در ساحل دجله از میان اسیران خرید و به سامرا آورد و در منزل حکیمه (عمه امام عسکری) ماند و بالاخره به همسری امام در آمد و افتخار مادری امام زمان را یافت (در باره زندگی او از جمله کتاب نرگس، همدم خورشید به قلم محمد باقر پورامینی را بخوانید).

دنیا آورد، نامش را «مهدی» گذاشتند. البته مهدی لقب او بود. نام اصلی اش همانم بایامبر اکرم (ص) است و گفته‌اند که در دوره غیبت، او را به نام اصلی اش یاد نکنیم.

در شب ولادت، عمه امام عسکری (ع) «حکیمه خاتون» که در خانه آن حضرت بود، از باردار بودن نرگس اطلاع نداشت، چرا که به اعجاز الهی هیچ نشانه‌ای از بارداری در مادر مهدی (عج) دیده نمی‌شد. تولد این نوزاد پنهانی بود و خبر آن را مخفی کردند تا به گوش مأموران حکومت نرسد، چون جان این نوزاد در خطر بود.

پنهان نگه داشتن خبر تولد یک نوزاد در یک خانواده، آن هم در شرایطی که جاسوسان خلیفه، زندگی و رفت و آمدها و اوضاع داخلی زندگانی امام عسکری (ع) را زیر نظر داشتند، بسیار دشوار بود. ولی امام (ع)، با موفقیت توانست این راز را پوشیده نگاه دارد و حتی برادرش (جعفر کذاب) که فردی غیر قابل اعتماد و وابسته به دربار بود، از وجود این فرزند برادر، بی‌خبر بود. از طرف دیگر، امام عسکری (ع) در برخی دیدارهایی که بعضی از شیعیان خالص و مورد اطمینان با او داشتند و گاهی از امام بعدی سؤال می‌کردند، این نوزاد را به آنان معرفی می‌کرد و نشان می‌داد.

پس برخی از یاران ویژه، در همان دوره، موفق به دیدار مهدی (عج) شدند که در آینده امام آنان می‌شد. یک بار چهل نفر از پیروان در دیدار با امام، وقتی از او خواستند که امام و حجت پس از خود را معرفی کند، امام (ع) آن نوزاد زیبا و پسر چند ساله را به آنان نشان داد. این گونه ملاقات‌ها چند بار با دیگران هم انجام گرفت. حضرت مهدی (عج) دوران پنج - شش ساله زندگیش را در زمان پدر این گونه گذراند. هر چند مخفی بود، اما از نظر دانش و بصیرت و شایستگی‌های لازم و قدرت جسمی و علمی و روحی، آماده بود تا پیشوایی شیعه را پس از پدر، در آن دوران سخت و بحرانی بر عهده بگیرد. شهادت امام

حسن عسکری (ع) روز هشتم ربیع الاول در سال ۲۶۰ هجری، هم غمی بر دل حضرت مهدی (عج) نهاد، هم بار سنگین امامت را بر دوش او گذاشت. برادر امام که گفتیم بی خبر از وجود فرزندی برای برادرش بود، آماده شد تا بر پیکر امام عسکری (ع) نماز بخواند، اما از آن جا که بر بدن امام معصوم، جز امام نماز نمی خواند، مردم دیدند که از داخل خانه، کودکی زیبا و با شکوه و وقار بیرون آمد و جعفر کذاب را که عمویش بود کنار زد و بر بدن پدر ارجمندش نماز خواند. این خبر همه جا پیچید. مأموران خلیفه «معتمد عباسی» خانه امام را محاصره کردند تا آن کودک را بگیرند. خانه امام (ع)، تو در تو بود و اتاق ها و سرداب های متعدد داشت. مأموران در پی او همه جا را گشتند. اما مهدی (عج) در یکی از این سرداب ها از نظر پنهان شد و دیگر او را ندیدند و به او دست نیافتند. اینک آن سرداب مقدس در سامرا و در کنار حرم امام عسکری (ع) موجود است و زائران به یاد آن حضرت و لحظه غیبتش به آن جا تبرک می جویند و در آن مکان نماز می خوانند و عطر حضور آن عزیز پنهان را استشمام می کنند.

امام زمان (عج)، هر چند از دیده ها پنهان شد، ولی یاد و نام و خاطره اش و حضور معطرش در جان ها باقی ماند و هنوز هم یاد او، روان ها را صفا می بخشد و امید را در دل ها زنده می کند.

« در این سکوت لحظه ها	در انتظار لحظه سرودن است
که غم گرفته لحظه لحظه مرا	چه می شود دل مرا صدا کنی؟
ببین چقدر تشنه ام	دل مرا از این سکوت لحظه ها جدا کنی
به جرعه های یک صدای آشنا	چه می شود که چشم خسته مرا
مرا بخوان	از انتظار یک نگاه
صدای تو، صدای خوب بودن است	رها کنی، رها کنی.» ^۱
تمام لحظه های من	

۱. غلامرضا آبروی.

دوران غیبت صغری

غیاب اوست به عالم همیشه عین ظهور

چنان که نور، به چشم اندراست و جان به تن است
امام زمان (عج) شش ساله بود که پدر را از دست داد و به امامت شیعه رسید
و چون از علم خدا داد و از عصمت برخوردار بود و نمونه‌ای برای همه فضیلت‌ها
و خوبی‌ها به شمار می‌آمد، شایستگی پیشوایی مسلمانان را داشت. از نظر اعتقادی
و دینی، اگر خدا بخواهد، انسانی در سال‌های کودکی هم می‌تواند به نبوت و
امامت برسد. حضرت عیسی (ع) در گهواره بود که به پیامبری تعیین شد و بامردم
سخن گفت.^۱ امام جواد (ع) هم هنگام شهادت پدرش حضرت رضا (ع) هشت
ساله بود که به امامت رسید. امام زمان (عج) هم در شش سالگی پیشوای شیعه
شد، چون چیزی از شرایط امامت و رهبری کم نداشت.

امام ناچار بود که از دید مردم پنهان باشد تا به عنوان یک ذخیره الهی از
گزند دشمنان مصون بماند. ولی با شیعه توسط نمایندگان ارتباط داشت، نامه‌ها
از این طریق به دستش می‌رسید، نیازها و درخواست‌ها و سؤال‌های علمی و

۱. مریم (۱۹)، آیه ۳۰.

فقهی از این راه در اختیار وی قرار می گرفت و حضرت به نامه ها و درخواست ها پاسخ می داد. پاسخ وی یا به صورت شفاهی و از زبان آن نماینده های خاص بود، یا به صورت نوشته بود که نام آن نوشته ها را «توقیع» می گویند؛ یعنی نوشته ای که مهر و امضا می شد و سندیت و اعتبار داشت. از این نمایندگان خاص، در هر زمان یکی بیشتر نبود. نخستین آنان «عثمان بن سعید» بود. وی از اصحاب امام هادی و امام عسکری -علیهم السلام- هم بود و مورد اطمینان آنان بود. پس از درگذشت او فرزندش «محمد بن عثمان» نماینده امام شد. او که در سال ۳۰۵ در گذشت، «حسین بن روح نوبختی» سفیر و نماینده امام (عج) گشت. با رحلت او در سال ۳۲۶، این مقام به «علی بن محمد سمری» رسید که تا سال ۳۲۹ هجری ادامه داشت و با درگذشت وی، امام زمان (عج) دیگر سفیر و نماینده خاصی تعیین نکرد و این دوره ۶۹ ساله که به دوره «غیبت صغری» مشهور است پایان یافت. چون این مدت در مقایسه با دوره غیبت کبری که تا کنون ادامه یافته، کوچک تر و کمتر بود به نام غیبت صغری مشهور شد.

آن چهار شخصیت زنده و پاک و مورد اطمینان امام زمان (عج)، که واسطه میان او و مردم بودند، به «نُواب اربعه»، «نُواب خاص» و «سُفرای اربعه» هم مشهورند. آنان زاهد و پرهیزکار و آگاه و هوشیار بودند و با وساطت آنان، مشکلات شیعه به دست حضرت مهدی (عج) حل می شد. همه آن چهار نایب بزرگوار در بغداد می زیستند و مدفن آنان نیز در بغداد است. بغداد به سامرا نزدیک است و امام زمان (عج) و پدرش و جدش در سامرا اقامت داشتند. البته در این مدت غیبت، کسی از جای دقیق امام زمان (عج) خبر نداشت و این نمایندگان، پنهانی به حضور حضرت می رسیدند و نامه می دادند و جواب می گرفتند و برای این که شناخته نشوند، اغلب شغل عادی داشتند.

ویژگی مهم این پاکان، توفیق دیدار حضوری با حضرت مهدی (عج) و فیض بردن از دیدار و گفت و گو با وی بود؛ همان که هزاران هزار دل شیدایی

در حسرت یک لحظه از آن دیدن‌ها و نگاه‌هایند و غم هجران را به شوق وصل،
تحمل می‌کنند و با انتظاری شیرین هماغوش‌اند.

«ای روز آمدن!

ای مثل روز، آمدنت روشن

این روزها که می‌گذرد، هر روز

در انتظار آمدنت هستم

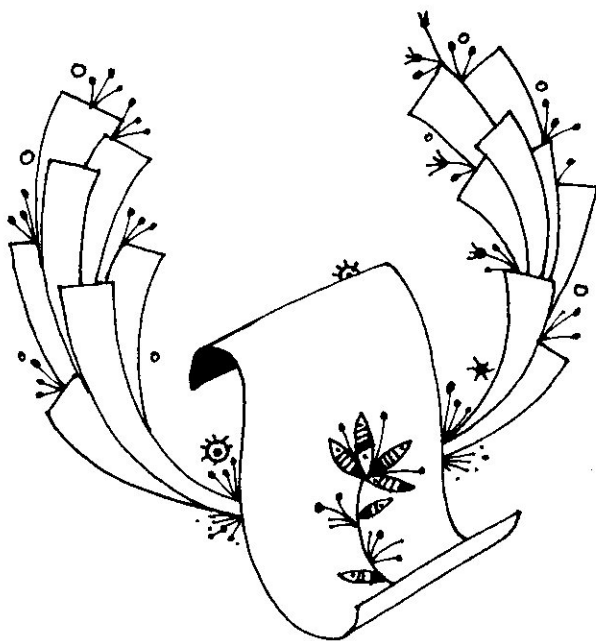
اما

با من بگو که آیا، من نیز

در روزگار آمدنت هستم؟»^۱

۱۷

دوران غیبت صغری



۱. قیصر امین پور.

چرا غیبت؟

۱۸

بسم الله الرحمن الرحیم

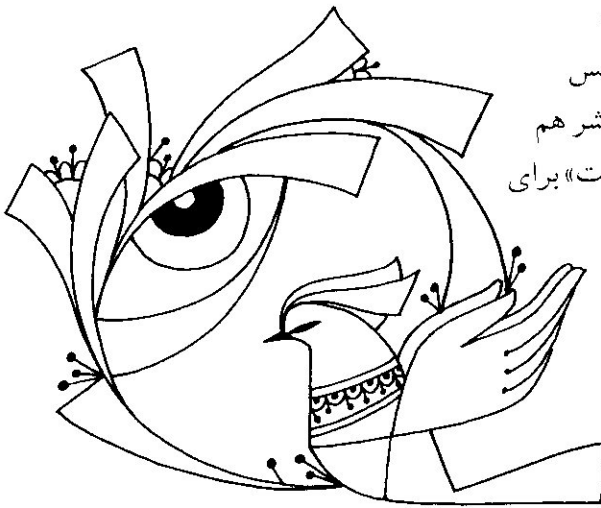
بهار نیست در آن جا که نیست از تو پیام
بهشت نیست در آن جا که گفت و گوی تو نیست

چرا به جلوه نمی آیی، ای بهشتی روی

مگر که این همه آینه رو به روی تو نیست؟

هر چند خداوند می خواست امامان معصوم (ع) در میان مردم و در صحنه هدایت آنان حضور فعال داشته باشند، اما بسیاری از مردم، قدر امامان را ندانستند و آنان را تنها گذاشتند. حکومت های ستمگر هم که آنان را مانع خود کامگی خویش می دیدند، آن چراغ های هدایت را از بین می بردند. امامان شیعه همه یا کشته شمشیر بودند، یا مسموم به زهر کین. خداوند برای هدایت بشر، امام دوازدهم را به عنوان ذخیره برای «حکومت عدل جهانی» نگاه داشت، تا وقتی که همه انسان ها تشنه حق شوند و شایسته امامت پیشوای معصوم گردند و شرایط اجتماعی و تشنگی و انتظار مردم به حدی برسد که خداوند، آن ذخیره موعود را اجازه دهد تا از پشت پرده غیبت ظهور کند و به عدالت گستری در سطح جهان پردازد و ذائقه ها را با طعم شیرین دادگری آشنا سازد.

اراده خدا آن بود که مردم به سطحی از درک و شعور اجتماعی برسند که



پیروانین مشعل‌های هدایت
شوند، ولی چنان نشد. پس
وظیفه‌شناسی و کوتاهی بشر هم
سهمی در پیش آمدن «غیبت» برای
امام معصوم (ع) داشت. به
علاوه، هم چنان که
گذشت، تصمیم جدی
حکومت ظالم، برای از بین
بردن این حجت دوازدهم
نیز، زمینه ساز پنهان
ماندن آن حضرت از دید

مردم شد، تاروی ظهور کند و آیین الهی را در همهٔ جهان، مقتدرانه پیاده و اجرا
کند و در این مدت، مردم نیز در شناخت حق و یاری حق بکوشند تا شایستگی
سربازی در رکاب او را پیدا کنند.

البته «غیبت امام» برای پیروان، نوعی آزمایش هم به شمار می‌رود، تا
صاحبان ایمان راستین و عقاید محکم از مدعیان ایمان باز شناخته شوند. در
امت‌های گذشته نیز گاهی به فرمان خدا، پیامبرشان از میان مردم پنهان می‌شد.
برخی سست باوران در نبود پیشوایشان به تردید و گمراهی می‌افتادند، اما عده‌ای
نیز، پا برجا و استوار می‌ماندند. پنهان شدن پیامبر و پیشوا از میان جمع پیروان،
هشدار و گاهی هم توبیخ است، تا به خود آیند و سختی و دردناکی نداشتن
پیشوا و هدایت کنندهٔ معصوم و محرومیت از این نعمت بزرگ را بدانند. در
احادیث مکرری اشاره شده است که در دوران غیبت طولانی آن حضرت، تنها
صاحبان ایمان‌های استوار و محکم، به شک نمی‌افتند و از دین بر نمی‌گردند.
در دورهٔ غیبت، گرچه مردم دسترسی آشکار به امام ندارند، اما وجود او مایهٔ

دلگرمی مردم به زندگی و آینده خویش و زمینه ساز خود سازی برای توفیق دیدار آن حضرت است. امام (عج)، هر چند آشکار نیست، اما نگهبان دین خدا و هدایتگر پشت صحنه است و از او پیوسته فیض الهی به مردم می رسد و مردم از وجود او بهره مند می شوند، هر چند چهره او را آشکارا نبینند. این مسئله در روایات اسلامی هم مطرح شده و چنین گفته اند که مردم در عصر غیبت، از برکات وجود او بهره می برند، هر چند خود او را نبینند، مثل خورشید، که وقتی پشت ابرهاست، باز هم جهان هستی از آثار آن کانون نور و حرارت و انرژی بهره مند می شود. بسیاری از انسان ها و جامعه ها می کوشند تا با اصلاح خود و اوضاع اجتماعی، سعادت دیدار او و درک حضورش را داشته باشند. خود این نکته، از آثار مهم وجود مقدس آن حضرت است. اگر هیچ یک از این نکته ها را هم نگوئیم، از آن جا که همه کارهای خداوند، بر اساس حکمت و دانش است، خدای حکیم مصلحت دیده که برای مدتی طولانی، آن «حجّت الهی» را از دیدگان مردم پنهان دارد و سرّ و راز آن را هم خود می داند و زمان ظهور را هم خود تعیین می کند و ما در هر صورت تسلیم و پذیرای خواسته و صلاح اندیشی پروردگاریم. هر چند پیوسته آرزو داریم که آن حضرت ظهور کند و فصل هجران به سر آید و جهان، از وجود او کامیاب گردد و می گوئیم:

باز آ، که جهان پر ز آشوب	گیرد ز حکومت تو سامان
تا ریشه فتنه ها بخشکد	تا عمر ستم رسد به پایان
تو راز فراتر از بیانی	ای وعده سر به مهر یزدان
سرّ تو برون ز واژه و ما	پیوسته به وصف تو غزل خوان ^۱

خدایا! توفیق دیدارش را نصیب همه ما بفرما.

بیشتر بشناسیم

چهره بگشای، که رخسار تو دیدن دارد

سخن از لعل توای دوست، شنیدن دارد^۱

بیشتر بشناسیم

پیشوایی که عشق او را در دل داریم، از نسل پیامبر، از دودمان امامان و وارث همهٔ پیامبران است. همانم رسول خداست و در «صورت» و «سیرت» شبیه پیامبر است و در خُلُق و خُلُق، یادگار آن حضرت است. او را با لقب‌های گوناگونی می‌شناسیم و می‌خوانیم، که هر یک گوشه‌ای از شخصیت و فضیلت او را نشان می‌دهد. این لقب‌ها در روایات آمده است.

او هم «هادی» است، هم «مهدی»، هدایتگر مردم و هدایت شده از سوی خدا. او «وارث» است، وارث دین پیامبر و خط سرخ شهادت و راه و مرام همهٔ انبیا. او «قائم» است، ایستاده و استوار و پا برجا و قیام کننده به عدل، تا جهانی را به قیام حق طلبانه وا دارد.

او «بقیة الله» است، ذخیرهٔ الهی و یادگاری از خط امامان.

او «منصور» است، یاری خدا و حمایت مؤمنان را پشت سر دارد و بر جباران

۱. غلامرضا قدسی .

پیروز می شود.

او «ثائر» است، انقلابی، خون خواه، برانگیخته و برانگیزاننده.

«منتقم» است، خون خواه سیدالشهدا و انتقام گیرنده خون شهدای کربلا و همه شهیدان مظلوم.

او «صاحب الزمان» است، و «صاحب الأمر» و «ولی عصر» و «حجة الله». صاحب زمین و زمان و امر و فرمان است، حجت بر گزیده خداست، موعود امت ها، امید انسان ها، احیاگر دین، رسواگر نفاق، برهم زننده بساط جباران، نور خدا در زمین، واسطه فیض، پیشوای مستضعفان و فریادرس مظلومان و درماندگان است.^۱



به تعبیر روایات اسلامی، چهره‌ای گندم‌گون و نورانی دارد، ابروانی هلالی و کشیده، چشمانی درشت و سیاه، پیشانی بلند و تابان، رخساره‌ای همچون ماه که بر گونه راستش خالی سیاه است، هیبت و شکوهی چون پیامبران دارد، اندامی متناسب و زیبا و عضلاتی پیچیده و محکم و مویی تابناگوش ریخته و شانه‌ای پهن و دندان‌هایی سفید و برآق و در میان شانه‌اش اثری است مثل نشان نبوت. وارث همه فضایل انبیا و دانش و عظمت پیامبر خدا و امامان معصوم - علیهم السلام - است. نهمین فرزند از نسل حسین بن علی - علیهما السلام - است. در برابر خداوند و جلال او، فروتن و خاکسار است و عظمت خدا در وجود او جلوه گر است. نزد خدا مقامی بس والا دارد. سیره و روش او زاهدانه و پارسایانه است. جامه‌های زبر می پوشد، نان جو می خورد، رفتارش به عدالت است و گفتارش آمیخته به حکمت. علم و حلم او از همگان بیشتر است. بخشنده و مهربان و رئوف است. جز به اجرای فرمان خدا نمی اندیشد و جز رضای او را نمی جوید. ویژگی‌هایی از همه پیامبران در او جمع شده است. طول عمر را از آدم و نوح -

۱. اوصاف او را در «دعای ندبه» می‌توانید بیشتر بشناسید.

عليهما السلام- دارد، پنهان بودن ولادت را از موسی و ابراهیم- علیهم السلام- زیبایی را از یوسف (ع)، غیبت از مردم را از موسی و صالح- علیهم السلام-، قضاوت را از داود (ع)، حشمت و جهانداری را از سلیمان (ع)، صبر و برخورداری از فرج و گشایش را از ایوب (ع)، رجوع به میان مردم پس از غیبت را از یونس (ع)، نورانیت را از عیسی (ع) و انقلاب خونین و خروج با شمشیر و در هم کوبیدن جبّاران و کافران را از حضرت محمد (ص). او خلاصه همه خوبی ها و فهرست همه پاکی ها و ارزش ها است، قلب عالم هستی و نبض تپنده کائنات است. عمری طولانی و غیبتی طولانی دارد و در این مدت، صاحبان ایمانِ راسخ، در عقیده به او ثابت قدم اند، اما

سست ایمانان در وجود او به تردید می افتند، یا انکارش می کنند. در میان مردم است، اما ناشناس. گاهی کسانی او را می بینند اما نمی شناسند. در موسم حج نیز حضور می یابد و مردم را می بیند، اما آنان وی را نمی بینند.

هر چند نگاه های تردید آمیز بعضی، آن خورشید را نادیده می گیرند و خود را به ناشناسی می زنند، اما همه عالم و ذرات وجود، آشنای اوست. او خورشید است، هر چند از دیده ها پنهان!

ای پرده نشین، پرده زرخ یک سوزن
یک سو همه مرد منتظر، یک سو، زن
هر چند که انکار کنندت، اما
از رونق تو کم نشود یک سوزن^۱

۱. امیر علی مصدق.

پیشینه عقیده به منجی

«می‌رسد مردی که زنجیر غلامان بشکنند...»^۱

این که روزی یک ابرمرد، یک نجات بخش و یک موعود بزرگ خواهد آمد و جهان را اصلاح خواهد کرد و مردم را از ستم جباران نجات خواهد داد و آن روز، جهان روی صلح و عدالت را خواهد دید، تنها عقیدهٔ ماسیحیان و حتی ماسلمانان نیست. همهٔ ملت‌ها این باور را داشته و دارند و در همهٔ ادیان به نوعی این مژده برای «آیندهٔ بشریت» داده شده است و انتظار ظهور منجی در کیش‌های آسمانی یهود، زردشت، مسیحیت هم آمده است.^۲ این عقیده که به آن «فتوریس» (اعتقاد به دورهٔ آخر الزمان) هم می‌گویند کهن و ریشه دار است. در آیین هندو و آیین بودا نیز مسئلهٔ آینده‌ای روشن و سرشار از عدالت و موضوع انتظار آن دوران مطرح است. قرآن کریم نقل می‌کند که: در «زبور» حضرت داوود هم نوشتیم که بندگان صالح، وارثان زمین خواهند شد.^۳ همین عقیده است که انسان‌ها را به «آینده» امیدوار می‌کند و آنان را از

۱. اقبال لاهوری.

۲. ر.ک: بشارات عهدین.

۳. انبیاء (۲۱)، آیه ۱۰۵.

«یأس» و «افسردگی» می‌رهند و به زندگی‌ها نور امید می‌بخشد. بشارت‌هایی که درباره آن روزگار طلایی و آن منجی موعود و داد گستر داده شده و در کتاب‌های مقدس و گفتارهای حکمای پیشین آمده، این عقیده و این آینده را از قطعی‌ترین باورهای بشر ساخته است. حتی آنان هم که به هیچ دین و آیینی عقیده ندارند، در عمق جان‌شان انتظار روزی را می‌کشند که «دستی از غیب برون آید و کاری بکند». در منابع کهن و کتاب‌های مقدس، هر چند با نام‌ها و عنوان‌های مختلفی از آن «موعود» یاد شده است، ولی اصل آن قطعی است و آن موعود آخر الزمان، از دیدگاه ما مسلمانان «مهدی موعود (عج)» است که از فرزندان پیامبر خاتم است و

اکنون از چشم‌ها پنهان است

و روزی برای همان هدف

«اصلاح جهانی» به

فرمان خدا ظهور

خواهد کرد. هر چند

برخی از منحرفان

تردید می‌افکنند

و می‌گویند این نوزاد هنوز

متولد نشده و در آخر الزمان به

دنیا خواهد آمد، ولی در باور ما،

او از پدر و مادری معین در

تاریخ مشخصی (آن گونه که

گذشت) به دنیا آمده و هم اکنون زنده است.

این اعتقاد، مخصوص شیعیان هم نیست، بلکه

در منابع حدیثی و تاریخی و تفسیری اهل



سنت هم روایات متعددی از پیامبر خدا (ص) روایت شده که درباره حضرت مهدی (عج) و خصوصیات او و انتظار وی و شرایط و اوضاع جهان در آستانه ظهورش و نحوه رفتار آن حضرت پس از ظهور و تشکیل حکومت جهانی و ریشه کن شدن ظلم و برقراری عدالت است. حتی تعدادی از دانشمندان اهل سنت از قرن سوم هجری تا عصر حاضر کتاب‌هایی مخصوص در این موضوع نوشته و احادیث مربوط به امام مهدی (عج) را گردآوری کرده‌اند،^۱ یا بخشی از کتاب‌های حدیثی‌شان درباره این مسئله است و تعدادی بسیار از علمای اهل سنت قبول دارند که «مهدی (عج)» از این امت و همان پیامبر و از فرزندان اوست و پیش از پایان یافتن عمر جهان، خواهد آمد و جهان را پر از عدل و داد خواهد ساخت و معتقدند که احادیث درباره این موضوع، «متواتر»^۲ است و بزرگانی از مذاهب چهارگانه اهل سنت اعتراف کرده‌اند که «اعتقاد به ظهور مهدی (عج) اعتقادی درست است و در این باره و درباره اوصاف مهدی (عج) و علائم ظهور او و فتنه‌های آخر الزمان و خروج سفیانی و... احادیث صحیح رسیده است.»^۳ آنان که تردید دارند، یا انکار می‌کنند، باید جوابی برای این همه احادیث که در کتاب‌های معتبر خودشان آمده، فراهم کنند و اگر جوابی ندارند، باید به این حقیقت ایمان آورند.

پس این عقیده، یک اعتقاد اسلامی است، نه صرفاً عقیده‌ای که ویژه شیعیان باشد. این باور، قرن‌هاست که جان‌های مشتاقان را گرم و دل‌هایشان را امیدوار ساخته و چه عالمان بزرگ دین و چه مردم عادی، چه مسلمان و چه غیر مسلمان، امید به روزی بسته‌اند که آن «صاحب ولایت» و آن «موعود» ظهور کند و

۱. ر. ک: رضا حکیمی خورشید مغرب، (فصل پنجم) و قندوزی، نایب الموده و صافی گلپایگانی، منتخب الاثر.

۲. «متواتر» آن است که یک حدیث آن قدر توسط اشخاص متعدد نقل شده باشد که برای انسان یقین و اطمینان پیدا شود که چنین حدیثی درست است و نمی‌تواند ساختگی باشد.

۳. محمد رضا حکیمی خورشید مغرب، ص ۹۳.

برای بشریت، سعادت و عدالت و رفاه و امنیت بیاورد.

اما ما شیعیان، از آن جا که دین را از «اهل بیت» فرا گرفته ایم، مجموعه بسیار غنی تری از روایات در اختیار داریم که «امام زمان» را به ما دقیق تر می شناساند و خصوصیات وی و یاران و حکومت و ظهورش را بیان می کند. دانشمندان و راویان شیعه نیز، به خاطر برخورداری از منبع غنی سخنان معصومین، آثار بیشتر و کتاب های ارزنده ای درباره امام عصر (عج) و غیبت و ظهور او نگاشته اند.^۱ و در هیچ مذهب و مکتب و آیینی، مشخصات آن پیشوای رهایی بخش، به اندازه احادیث نقل شده از پیامبر و امامان، روشن، دقیق و گویا نیست. بر این نعمت فرهنگی و حدیثی خدا را شاکریم و محبت و معرفت بیشتر و توفیق انتظار و اطاعت کامل را از پروردگار، می طلبیم.

۲۷

پیشینه عقیدتی منجی



یک روز، هنگام سحر، گل ها شکوفا می شود
آن روز، او می آید و مهمان گل ها می شود
خون در رگ گلبرگ ها آن روز جاری می شود
آن روز، این دنیا پر از عطر بهاری می شود.^۲

۱. از انبوه کتاب هایی که به این موضوع اختصاص دارد، چند نمونه یاد می شود: الفیبه شیخ طوسی، اعلام النوری طبرسی، اکمال الدین صدوق، المحججه بحرانی، نجم الثاقب نوری، المهدی صدرالدین صدر، منتخب الاثر لطف الله صافی. در زمینه کتب فارسی، تألیفات محققان آن قدر زیاد است که در این خلاصه نمی گنجد.

۲. افسانه شعبان نژاد.

طول عمر

خاطر ما ز فراق تو پریشان، تا چند؟

دوستان از غم تو بی سر و سامان تا چند؟

چون ما به عُمرهای کوتاه مدّت انسان‌ها عادت کرده‌ایم و معمولاً در میان ما افراد به هفتاد - هشتاد سالگی که می‌رسند، در آستانهٔ مرگ قرار می‌گیرند، عمر طولانی و بیش از هزار سال^۱ برای امام زمان (عج) غیر عادی به نظر می‌رسد و برای بعضی این سؤال پیش می‌آید که چگونه ممکن است کسی این همه عمر طولانی داشته باشد؟

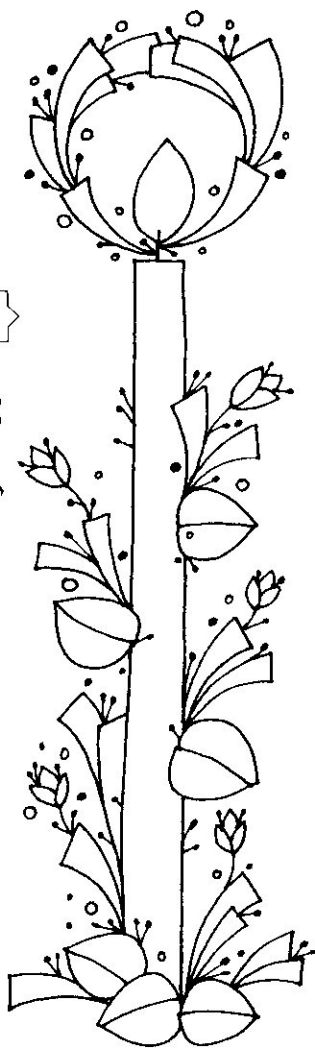
البته اگر مسئله را با توجه به قدرت خدا در نظر بگیریم، برای خداوند هیچ سخت نیست که انسانی را هزاران سال در اوج نشاط و نیرومندی نگاه دارد. حیات و مرگ دست اوست و بر هر چیز تواناست و قدرت او هم بالاتر از عوامل عادی و علل طبیعی است. عمر طولانی بخشیدن به یک فرد از سوی خدا، محال نیست. از این نگاه، هیچ شبهه‌ای وجود ندارد. بهترین پاسخ آرام بخش برای این سؤال هم همین است.

۱. هم اکنون هنگام چاپ کتاب که سال ۱۴۲۳ قمری است، عمر آن حضرت ۱۱۶۸ سال می‌باشد.

از نظر علوم طبیعی و مسائل حیاتی نیز، چنان نیست که عمر طولانی برای انسان برخلاف قوانین طبیعی باشد. پیری و فرسودگی عاملی است که بر زندگی بشر عارض می‌شود. اگر عوامل آن را شناخته و از خویش مراقبت کنیم، عمری طولانی‌تر خواهیم داشت. مگر دانشمندان تلاش نمی‌کنند که با پیشرفت‌های

علمی، پیری و فرسودگی و مرگ را به تأخیر بیندازند و مدت زمان حیات بشر را در این دنیا افزایش دهند؟ در این راه، گام‌های مؤثرتری هم برداشته شده است. پس از نظر علمی هم، عمر هزارساله و بیشتر، هر چند غیرعادی است، ولی محال نیست، بلکه شدنی است. هم اکنون هم در گوشه و کنار جهان کسانی هستند که عمری نزدیک به صد و پنجاه سال دارند و این در اثر نوع زندگی و آب و هوا و تغذیه و کاربدنی و عوامل دیگر است. علل و اسباب ناشناخته دیگری ممکن است وجود داشته باشد که با آگاهی از آن‌ها بتوان به عمر طولانی‌تر دست یافت. سال‌هاست که دانشمندان در این راه به تلاش علمی پرداخته و نتایج خوبی هم گرفته‌اند.

نمونه‌های افرادی که عمرهای طولانی داشته‌اند، گویای این نکته است که این مسئله، شدنی و تحقق‌یافتنی است. قرآن کریم از حضرت نوح یاد می‌کند که ۹۵۰ سال در میان قوم خود بود و به خدا دعوتشان می‌کرد.^۱ این تنها زمان پیامبری اوست و عمر او بیشتر



۱. عنکبوت (۲۹)، آیه ۱۲.

هم بوده است. در منابع دینی برای پیامبرانی همچون نوح، آدم، ابراهیم، اسماعیل، یوسف، موسی، سلیمان و... (ع) عمری طولانی و گاهی چند صد ساله ذکر شده است.^۱ امام سجّاد (ع) فرمود:

در حضرت مهدی (عج) سستی از حضرت نوح است و آن طول عمر است.^۲ به این گونه افراد که عمری بلند داشته‌اند، «مُعَمَّرین» گفته می‌شود، یعنی صاحبان طول عمر، دراز عُمران. حتماً عواملی سبب این طول عمر می‌شود که قابل شناخت و عمل است. دانشمندان می‌گویند:

همهٔ بافت‌های مهم و اصلی سازمان وجود انسان، قابلیت یک زندگی بسیار طولانی و بی‌نهایت را دارند و انسان اگر بتواند خود را در تیررس عواملی که رشتهٔ حیات او را می‌برد قرار ندهد، کاملاً برایش ممکن است که هزاران سال زندگی کند و عمری بسیار طولانی داشته باشد.^۳

پس مرزی برای پایان عمر انسان در هفتاد یا هشتاد سالگی نیست. همهٔ اسباب و عوامل بهزیستی و تندرستی هم تا کنون شناخته نشده است. در نتیجه از نظر علوم طبیعی هم مانعی برای یک عمر دراز مدّت نیست. مگر معتقد نیستیم که خضر، آب حیات نوشید و عمر جاوید یافت و هم اکنون زنده است؟ در تاریخ، انسان‌هایی با عمر بلند، بسیار بوده و زیسته‌اند.^۴

البته از نظر ما که به علم و قدرت و ارادهٔ نامحدود خداوند عقیده داریم، پذیرش این مسئله خیلی آسان است. اصلاً اثر گذاری هر عامل طبیعی هم به ارادهٔ خداست. خدایی که دریا را برای موسی (ع) می‌شکافد و برای حضرت صالح (ع) شتری از دل سنگ بیرون می‌آورد و به دست عیسی (ع) مرده را زنده

۱. شیخ صدوق کمال الدین، ص ۵۲۳.

۲. همان، ص ۵۲۴: فی القائم سته من نوح و هی طول العمر.

۳. سید محمد کاظم قزوینی امام مهدی از ولادت تا ظهور، (ترجمه) ص ۴۵۵.

۴. حتی کسانی دربارهٔ این گونه اشخاص، کتاب‌های مستقل نگاشته‌اند. ر. ک: محمدرضا حکیمی، تفسیر آفتاب، ص ۲۴۷.

می کند و آتش را برای ابراهیم به گلستان تبدیل می کند و آن همه معجزات شگفت را برای پیامبران محقق می سازد، به راحتی می تواند به ولی و حجت خویش، عمری طولانی و هزارساله ببخشد و او را از هر حادثه و خطر و بیماری و پیری و مرگ حفظ کند و حضرتش را ذخیره ای برای نجات بشریت و اصلاح جهان نگه دارد.

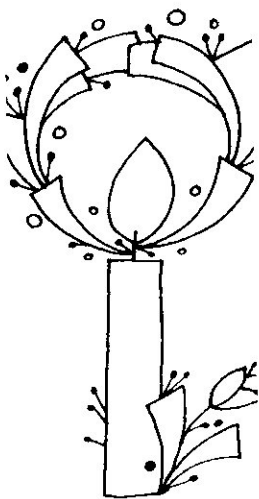
گر نگهدار من آن است که من می دانم

شیشه را در بغل سنگ نگه می دارد.

پس طول عمر امام زمان را تنها نباید با مقیاس علمی (آن هم علم کمال نیافته و محدود) سنجید، بلکه از نگاه اعجاز و قدرت الهی هم باید به آن کرد و به راحتی «نمی شود» نگفت.^۱

دست عنایت الهی، آن گوهر یک دانه وجود را در صدف هستی پرورانده و برای جلوه ای برتر، نگه داشته است. و داستان مهدی (عج)، داستان دیگری است و راز وجودش، بالاتر از شناخت ما.

آن سفر کرده که صد قافله دل همراه اوست
هر کجا هست، خدایا به سلامت دارش.^۲



۱. در زمینه تحلیل طول عمر از نظر علوم طبیعی از جمله ر. ک: شهید پاک نژاد اولین دانشگاه و آخرین پیامبر.
ج ۲، محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، فصل دهم.
۲. حافظ شیرازی.

تکلیف عصر غیبت

آیا در دوران غیبت امام زمان، ما تکلیفی داریم یا نه؟ و اگر داریم، چیست؟ این سؤال از دیرباز مطرح بوده است. حتی از بعضی امامان هم پرسیده‌اند. امامان نیز نکاتی را دربارهٔ وظیفهٔ شیعه در عصر غیبت بیان کرده‌اند.

از توضیحی که دربارهٔ «انتظار فرج» گذشت، می‌توان فهمید که عصر غیبت، عصر بلا تکلیفی و بی مسئولیتی نیست. نخستین وظیفه، «ثابت قدم بودن» در عقیده به وجود و امامت و لزوم اطاعت از اوست. برخی در عصر غیبت، دچار تردید و شک می‌شوند. حفظ این عقیده یک تکلیف است. «امیدوار بودن» وظیفهٔ دیگر است. طول کشیدن زمان غیبت و دشواری‌ها و فراوانی دشمنان و گسترش فساد، نباید منتظران را به یأس بکشاند. «صبر» تکلیف دیگر این دوران است. «انتظار فرج» وظیفهٔ دیگر است.^۱ پای‌بندی به دین و پرستش خدا و سست نشدن در دینداری وظیفهٔ دیگر منتظران است.

امام صادق(ع) فرمود: به خدا قسم خدا پرستی شما در نهان و در دوران پنهانی پیشوایتان در عصر حاکمیت باطل بهتر است.^۲ ...

۱. امام عسکری(ع): وَ عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ وَاتِّظَارِ الْفَرَجِ (صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۲۳۴).

۲. کامل سلیمان، يوم الخلاص، ص ۲۳۴.

« تحمل » حرف ها، طعنه ها و نیشخندهای مخالفان، وظیفه دیگر است، که به منتظران می گویند: اگر راست می گوئید، وعده خدا کی فرامی رسد و امام غایب کی ظهور می کند؟ و همین حرف ها عده ای را به تزلزل می افکند. به فرموده امام حسین (ع):

هر کس در دوره غیبت، بر این سخنان زار دهنده و کذاب کشنده صبر کند و ایمانش را از دست ندهد، گویا در رکاب پیامبر خدا پیوسته است^۱

از وظایف دیگر شیعه در این عصر، « دعا برای ظهور » است. روشن است که این خواسته وقتی در دعا و نیایش های فردی و جمعی مطرح باشد، شوق دیدار و می افزاید و منتظران هم آماده و تپنده آن دوران می گردند و خود را هم اگر در محاسن به تدابیر دعاها را مستجاب می کنند و گشایشی در کار مسلمانان پدید می آید، این مضمون سخنی از خود امام زمان (عج) است که در نامه ای به نماینده خاص خود محمد بن عثمان نوشت: برای تعجیل فرج، بسیار دعا کنید چرا که این برای خود شما نیز فرج است.^۲

در حدیث دیگری از امام کاظم (ع) به شیعیان سفارش شده که در دوره غیبت حضرت مهدی (عج) هم به رشته محبت اهل بیت چنگ بزنند، هم در مودت و دوستی با این خاندان و بیزاری از دشمنانشان ثابت قدم باشند.^۳ این حدیث، یکی دیگر از تکالیف رامی رساند. تکلیف دیگر، دعا برای شناخت خدا و پیامبر و حجت است. در این دعا که امام صادق (ع) به زواره آموخت،^۴ از خدا می خواهیم که خودش را، پیامبرش را و حجتش را به ما بشناساند، که اگر حجت خویش را به ما نشاناساند، از دین خویش گمراه می شویم. این اهمیت شناخت

۱ بحواله انوار، ج ۱ ص ۱۳۳

۲ حدیث کتاب یگانه، منجذب الانوار، ص ۲۶۰، ۲۶۱

۳ بحواله انوار، ج ۱ ص ۱۳۳

۴ امام صادق علیه السلام، انوار، ج ۱ ص ۱۱۶

عمیق و روشن و استدلالی را نسبت به حجت‌های الهی از جمله حجة بن الحسن (عج) می‌رساند.

از بررسی روایات، غیر از موارد یاد شده نکات دیگری به عنوان وظیفه شیعه در عصر غیبت به دست می‌آید، از قبیل:

در عصر حاکمیت ستمگران، تسلیم زور نشدن؛

در شرایط فراگیر شدن فساد، به مفساد و گناهان آلوده نشدن؛

با گسترش گناهان و تباهی‌ها، از اصلاح مأیوس نگشتن؛

در راه دینداری و پیروی از حق، در برابر مشکلات مقاومت کردن؛

حماسه انتظار و نام و یاد مهدی (عج) را زنده نگه داشتن؛

برای ظهور آن نجات بخش، همواره آماده بودن و انتظار کشیدن؛^۱

هنگام شنیدن لقب « قائم »، به نشانه احترام و آمادگی برای قیام بر پا ایستادن؛

خود را بر پارسایی و تقوا (که از اوصاف یاران اوست) تمرین دادن؛

تکلیف تولّو و تبری با دوستان و دشمنان را از یاد نبردن؛

امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکردن؛

آمادگی رزمی و نظامی داشتن برای یاری او و جهاد در رکاب حضرتش؛^۲

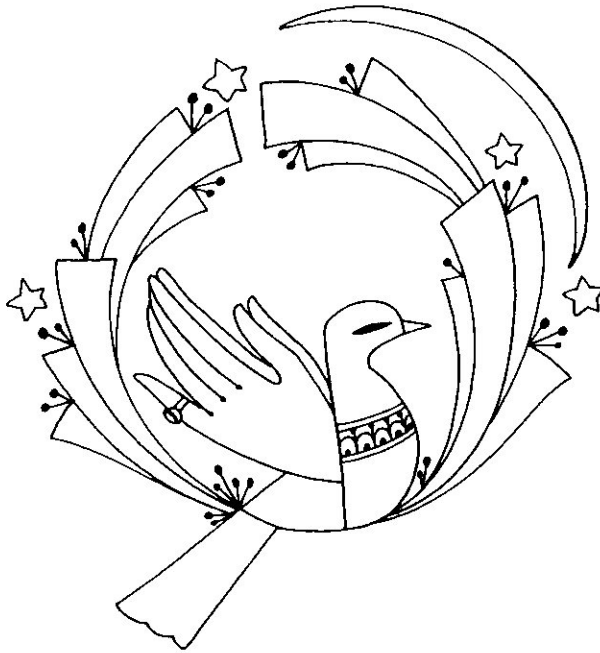
مرزبانی عالمان دین از اعتقادات دینی و دفع شبهات و نفی بدعت‌ها؛

تقویت رابطه‌های عاطفی و ایثار، مواسات و همدردی در میان پیروان اهل بیت؛

پیوسته در خط امامان بودن و از این راه، جدا نشدن؛

۱. در یکی از دعاها می‌خوانیم: خدا یا همان گونه که دلم را به یاد او آباد کردی، سلاحم را نیز برای یاری او آخته و آماده ساز «اللهم کما جعلت قلبی بذکره معموراً فاجعل سلاحی بنصرتیه مشهوراً» (مفاتیح الجنان، زیارت امام زمان (عج)).

۲. این که در گذشته، برخی از شیعیان در خانه خود اسلحه نگاه می‌داشتند، یا به صورت دسته جمعی صبح جمعه‌ها سوار بر اسب می‌شدند و به بیرون از شهر می‌رفتند و استغاثه کنان حضرتش را صدا می‌کردند و منتظر ظهورش در جمعه بودند، نشانه‌ای از این باور و عمل به وظیفه آمادگی برای نصرت و جهاد بود.



خود را برای دوران سخت و پر کار و تلاش شبانه روزی عصر ظهور، آماده ساختن؛

زمینه فکری، فرهنگی، روحی و اجتماعی را برای ظهور امام و تشکیل حکومت واحد جهانی آماده ساختن.^۱

این تکالیف عصر غیبت، سیمای یاران واقعی و منتظران راستین حضرت مهدی (عج) را نیز ترسیم می کند. منتظران راستین، سلاح بردوشان شیفته جهاد و شهادت اند که «استقامت» مدال و نشان آنان است و «ایمان» و «توکل» تکیه گاهشان. یاران او را در میان کفن پوشان و جان بر کفان و سنگر نشینان و خدمت گزاران به انقلاب و وفاداران به ولایت و رهبری، بیشتر می توان یافت، تا در میان ساکتان و بی تفاوتان و عافیت طلبان و شهادت گریزان. امام راحل - ره -

۱. پیامبر اکرم (ص) پیش گویی از قیام کسانی در مشرق زمین دارد که خروج می کنند و زمینه ساز حکومت مهدی می شوند: «يُخْرِجُ أَنَا مِنْ الْمَشْرِقِ، قَبُوظُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ» (بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۷).

فرمود:

انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت
حجت‌الارواح‌فداه است.^۱

یک جلوه از آن «تکلیف الهی» در عصر غیبت، در این روزگار از زبان امام
خمینی - قدس سره - تراوید و هزاران بسیجی دریا دل را به جبهه‌های دفاع و
رزم کشید. «شب‌های حسنه» و حالات معنوی را صدگان و شش‌ها به فرمانده
جبهه‌ها یعنی حضرت مهدی (عج) جلوه از این راه، متکلم بود
شب‌های حسنه را در یاد دارد

دل عاشق در آن شب، گوار دارد
میان سنگر و دشت و بیابان

بسیجی وعده دیدار دارد^۲

و... تکلیف نوجوانان و جوانان در عصر غیبت، بیشتر و سنگین‌تر است، که هم
دل‌هایی پاک‌تر دارند، هم اراده‌هایی استوارتر و هم سری پر شور و دلی عاشق.
یاسمن، چهره بیاراست، بیا

شور در گل‌کده پیداست، بیا

همدمی نیست در این دهر غریب

یاد تو همدم دل‌هاست، بیا

پا به راه تو نهادیم، ای دوست

سربه تقدیم، مهیاست، بیا

ای چراغ شب تنهایی دل

بی تو هر شب، شب یلداست، بیا^۳

۳۶

بیا

۱. گزارش دفتر رهبری، ۱۳۸۵.

۲. روزنامه «دولت‌آباد»، ۱۳۸۵.

۳. همانجا، همانجا.

انتظار فرج

۳۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۳

گفتند: «دیگر امیدی، در قلب گل‌ها نمانده

شب، روح پروانه‌ها را، از کوچه ما پرانده»

اماتو یک روز زیبا، از شرق باید بیایی

باید شب کوچه‌ها را، یک روز روشن نمایی^۱

وضعیتی که مسلمانان و پیروان حق و مؤمنان راستین به خدا و قیامت و اهل بیت-علیهم‌السلام- دارند، ناراحت کننده و نامطلوب است. جبهه حق، مظلوم و بی پناه است. قرن‌هاست که این وضع ادامه دارد. در یکی از دعاها نیز^۲ به درگاه خداوند، شکوه و شکایت می‌بریم از این که پیامبرمان موجود نیست، امام زمان غایب است، زمانه بر ضد ماست، فتنه‌ها ما را فرا گرفته و دشمنان علیه ما همدست شده‌اند، آنان بسیارند و ما اندک و از خداوند، فتح و گشایش و پیروزی و غلبه حق و ظهور امام زمان (عج) را خواسته‌ایم، تا از این شدت و تنگنا به گشایش و «فرج» برسیم.

۱. شاهین رهنما.

۲. اللهم إنا نشكو إليك فقد تيّبنا وغيب إمامنا و... (مفاتيح الجنان، دعا در غیبت امام زمان (عج)).



«انتظار فرج»، انتظار روزی است که امام
 زمان (عج) ظهور کند و دوران حاکمیت حق و عدل
 فرا برسد و مؤمنان عزت و اقتدار یابند و ستمگران و
 مفسدان و گنهکاران، ذلیل و نابود شوند. مسلمان
 واقعی، باید چشم به راه چنین دورانی باشد و خود
 را برای آن آماده کند. یکی
 از برترین اعمال در عصر
 غیبت، «انتظار فرج»
 است.^۱ در روایات
 بسیاری، علاوه بر
 این نکته، توصیه شده که برای فرج آن مولا
 دعا کنید^۲ و از خدا بخواهید که زمینه آن
 ظهور را فراهم آورد.

زمینه ظهور، بخشی هم به دست
 منتظران باید فراهم شود و موانع ظهور
 حضرتش را از جامعه و زندگی های خویش
 بر طرف سازند. این گونه تلاش های زمینه
 ساز، «حرکت تمهیدی» و آماده سازی است
 که در روایات و دعاها نیز آمده است.

می بینیم که انتظار به این معنا، عاملی
 برای تحرک و فعالیت و مبارزه است. انسان

۱. أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ انْتِظَارُ الْفَرَجِ (پیامبر اکرم (ص)، بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۱۲۵).

۲. أَكْثَرُو الدَّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ فَرْجَكُمْ (صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۲۶۸).

منتظر، برای عوض کردن شرایط جامعه به سود اسلام و پیروان حق تلاش می کند و به خود سازی هم می پردازد. پس در انتظار، هم اصلاح خود و هم اصلاح جامعه نهفته است. اگر برخی انتظار را «مذهب اعتراض» دانسته اند، به این معنا است که انتظار فرج، مسئولیت و تعهد و تکلیف بر دوش منتظران می گذارد، تکلیف تغییر دادن «شرایط موجود» به سمت و سوی «شرایط مطلوب». یعنی این که وضعیتی که هست، مطلوب نیست و باید جامعه و مردم بهتر از این باشند تا لیاقت دیدار امام و شایستگی برخورداری از مزایای «عصر ظهور» را داشته باشند.

بعضی انتظار را به دو دسته و دو نوع تقسیم کرده اند: انتظار مثبت و انتظار منفی. تقسیم بندی درستی است.

۳۹

۱۳
)
۹
ن

«انتظار منفی» آن است که کسانی به نام منتظر، دست روی دست بگذارند و هیچ اقدام و فعالیتی نکنند و فقط منتظر باشند که حضرت مهدی (عج) بیاید و جهان را اصلاح کند. این دیدگاه، با احادیثی که برای منتظران در عصر غیبت تکالیف و وظایفی را بر می شمرد ناسازگار است. «انتظار مثبت» آن است که منتظر، برای رسیدن به وضع مطلوب و مورد انتظار، تلاش هم بکند و دست روی دست نگذارد. میزبانی که منتظر مهمان است، خود و خانه را برای آمدن مهمان آماده می کند و شرایطی مناسب و ایده آل برای او فراهم می سازد. کسی که منتظر یک «مصلح» است، باید خود و جامعه را اصلاح کند یا به حرکت های اصلاحی کمک کند.

وضعیت و رفتار مردم انقلابی ایران در آستانه آمدن حضرت امام خمینی - قدس سره - به کشورمان، بهترین توضیح و معرفی برای انتظار مثبت است. مردم در خانه ها نشستند تا دعا کنند امام از تبعیدگاه نجف یا از پاریس به ایران بیاید، بلکه مبارزه با طاغوت و تظاهرات و اعتصاب ها و شعارها و همبستگی ها و افشاگری ها را زمینه ساز آمدن امام می دانستند و در این راه، جهاد کردند، به

زندان افتادند، شهیدان بسیاری دادند، سختی‌ها و کمبودها را تحمل کردند تا نشان دهند که واقعاً چشم به راه آمدن امام خمینی (ره) و تغییر رژیم طاغوت و پی‌ریزی حکومت اسلامی‌اند. در روایات می‌خوانیم که:

خود را برای آمدن حضرت مهدی (عج) آماده سازید، هر چند در حد آماده کردن یک تیر!^۱

این، چهره انتظار مثبت و راستین را به روشنی ترسیم می‌کند و با انتظاری که عامل سکوت و سازش و تخدیر و بی‌تفاوتی است، فرق دارد. این گونه انتظار است که از افضل عبادات است و در حدیث است کسی که منتظر امر ما باشد، گویا در راه خدا جهاد کرده و به خون خویش آغشته است.^۲

این گونه انتظار، که پاداش جهاد و شهادت هم دارد، همراه عمل و نگهبانی از ایمان خویش و جامعه و مرزبانی از ارزش‌های الهی و احکام خداست و منتظر، زمینه‌ساز ظهور می‌شود. به تعبیری می‌توان گفت: «انتظار، آماده‌سازی است، نه آماده‌طلبی». به تعبیر استاد محمد رضا حکیمی:

آمادگی عمومی و همیشگی، جوهر اصلی انتظار است. این است که باید ماهیت انتظار شناخته شود تا انتظار، انتظاری اسلامی باشد و شیعی و سازنده، نه یک تنبلی و تکلیف‌رهایی و «وادادگی».

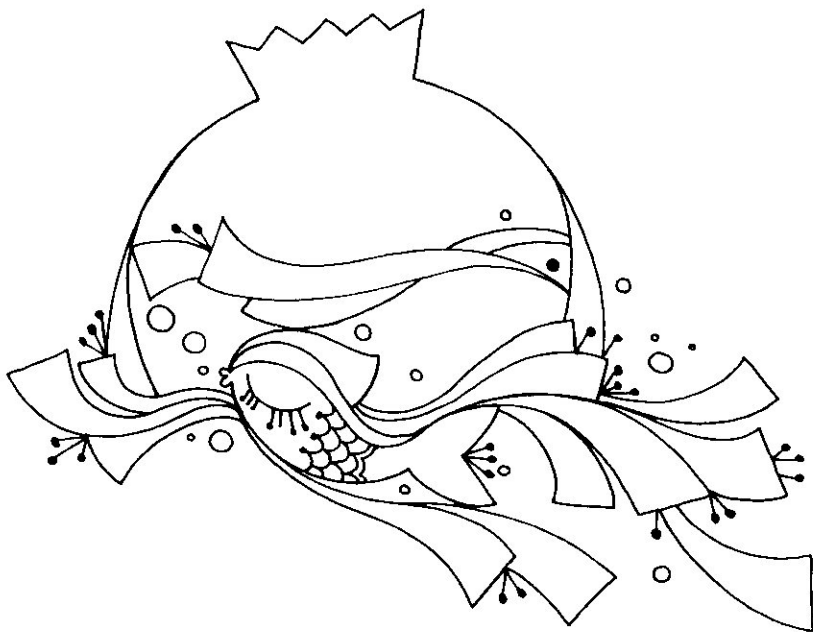
انتظار، پدیده‌ای عظیم و جریانی مهم است. همه می‌دانیم که ظهور مهدی موعود (عج) و رسیدن فرج اعظم و فتح اکبر، امری بسیار بزرگ و بسیار مهم است: نشر عدالت در همه آفاق و نشر حق در همه نفوس. شیعه، منتظر این امر بزرگ است، شیعه خود را برای چنین هدفی عظیم آماده می‌دارد.^۳

۱. امام صادق (ع): لُبَّعْدُنْ أَخَذْتُكُمْ لِخُرُوجِ الْقَائِمِ وَلَوْ سَهْمًا... (بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶).

۲. امام علی (ع): الْمُنْتَظَرُ لَا مَرْنَا كَالْمُسْتَخِطِّ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (همان، ج ۵۲، ص ۱۲۳).

۳. محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۳۶۶.

و چه شیرین است این گونه درانتظار دمیدن صبح عدالت بودن .
 مثل درخت و سنگ
 در رهگذار باد
 در انتظار آمدنت ایستاده‌ایم.
 فردا به شهر نور می آیی،
 از راه روستا، از راه آفتاب
 بادشمنان چو موج خروشان
 باما ولی، به مهربانی یک جویبار نرم،
 رفتار می کنی^۱



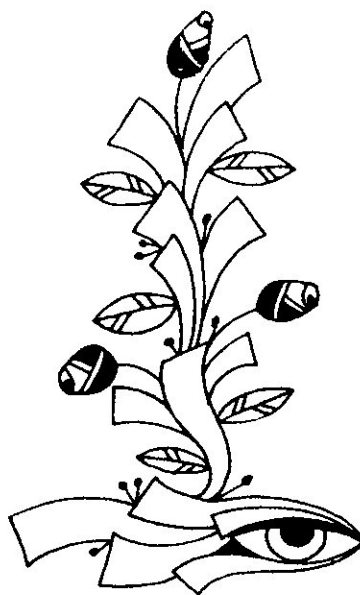
او کجاست؟

هر چند دور از تو، امّا گویی کنار تو هستیم
و قتش رسیده، کجایی؟ در انتظار تو هستیم^۱

هر که از دیده‌ها پنهان باشد، هر چند دیده نمی‌شود، ولی جا و مکانی دارد. جایگاه و مسکن امام زمان کجاست؟ امام زمان در دوران کودکی هم «نیمه پنهان» بود. شرایط اجتماعی و بیم از دشمنان ایجاب می‌کرد که امام عسکری (ع) او را از مردم پنهان بدارد. در مدّت پنج - شش سالی که تا وفات پدرش طول کشید، عده‌ای اندک او را دیدند و شناختند. در این که آن مدّت، وی در سامرا و در خانه پدر بود، یا او را به مدینه برده بودند یا جای دیگر، سخنان مختلفی گفته شده است. پس از شهادت امام عسکری (ع) هم که امام در غیبت صغری به سر می‌برد و از لحظه غایب شدنش از سرداب مطهر در سامرا به بعد، عموم مردم جای او را نمی‌دانستند. وی در میان مردم و این جا و آن جازندگی می‌کرد و او را نمی‌شناختند. سفیران آن حضرت، رابط میان او و پیروانش بودند. از سال ۳۲۹ به بعد نیز که «غیبت کبری» شروع شد، وی حضوری غیر عادی در میان

۱. شاهین رهنما.

این گونه زندگی مخفیانه یا ناشناس، با داشتن همسر و فرزندان نیز ناسازگار است. اگر او همسر و فرزند داشته باشد، در این همه سال باید فرزندانش بسیار باشند و پدر و مادر خویش را بشناسند. به طور عادی نمی توان پذیرفت که وی دارای همسر و فرزندان بسیار باشد و همچنان راز غیبتش پوشیده بماند. در روایات نیز دلیل روشنی بر ازدواج و همسر داشتن او دیده نمی شود. با این حساب، نیازی هم نیست که تصور کنیم حضرت مهدی (عج) در جزیره ای دور دست و نامشخص با زن و فرزندان و فامیل خود زندگی می کند. آن چه در ذهن برخی است که وی به همراه پسرانش در جزیره ای اسرار آمیز به نام «جزیره خضرا» به سر می برد و برخی هم می کوشند تا «مثلت برمودا» را بر این جزیره انطباق دهند. محال زندگی حضرت معرفی کنند. بدیافتنی نیست علمای محقق، جزیره خضرا را افسانه می دانند و آن داستان را به دلیل تناقض ها و مطالب بی اساس و بدون دلیلی که در آن است، قابل اعتماد و استناد نمی شمارند.^۱ علامه مجلسی با آن که در فصلی جداگانه از بحار الأنوار، آن را ذکر کرده، مدعی است که در کتاب های معتبر نیامده است. علامه بزرگ، شیخ آقابزرگ تهرانی هم آن را داستانی تخیلی و رمانتیک می داند.^۲ و این قصه از قرن ششم به بعد به کتاب ها راه یافته است. به هر حال، برای او جای خاص و ثابتی



۱. در این زمینه رک: جزیره خضرا، در تراوی نقد، سید جعفر مرتضی، ترجمه محمد سپهر

۲. الذریعه، ج ۵ ص ۱۰۸.

نمی توان ذکر کرد. اما در عین غیبت، از حاضرترین حاضران است و هیچ
 حضوری مثل غیبت او، زمان و تاریخ و دل ها و ذهن ها را پرنکرده است. نام او
 همه جا و بر زبان همه و در همه حالات و بر همه مقام ها جاری است. هیچ
 محفلی بدون نام و یاد او نمی گزید و در همه بین می پرید. در همه روضه ها و سفر
 و حضر، در قنوت و قیام، در مناجات و استعاذه، در سوگ و سرود، در غیبت و
 حضور، پیوسته نامش و در جانش برده اند. آن و جان است. اگر هم دیدگان ما
 لایق دیدنش نیست. آن حضرت ما را می بیند و از کارهایمان با خبر است و اگر
 پاک و شایسته باشیم، نظر لطف و عنایت به ما و دوستدارانش دارد و خود را به
 شیستگان و خالصان می رساند.

کوچه کوچ- کوچیده، تاز تو نشان بینم

حسبه حسبه پرسیده، تاز تو نشان بینم

چشمه چشمه از چشمه، شکسته شوق جاری شد

گریه گریه خنایدم، تاز تو نشان بینم

کشور محبت را، شهر آشنایی را

کو به کو نور دیدم، تاز تو نشان بینم

کاسه کاسه خون خوردم، داغ دل نهان کردم

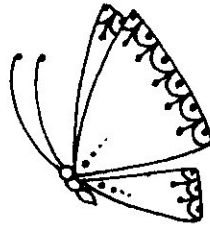
بس که لاله بوییدم، تاز تو نشان بینم

من ز باغ و بوستان ها، از همه گلستان ها

دسته دسته گل چیدم، تاز تو نشان بینم

ای بهانه رویش، ای بهانه عشق من

لحظه لحظه روییدم، تاز تو نشان بینم



دیدار

پر کرده‌ایم دفتر احساس خویش را
از واژه‌های ناب، هماواز فصل سبز
در انتظار دیدنت، ای گل نشسته‌ایم
ما در کنار پنجره باز فصل سبز^۱

۴۶

سبزه

از شوق انگیزترین موضوعات، دیدار امام زمان (عج) و ملاقات با آن حضرت است. آیا می‌توان حضرتش را دید؟ آیا کسانی تا به حال او را دیده‌اند؟ شرط دیدار او چیست و چه می‌توان کرد که به زیارتش رسید؟ آیا مدعیان دیدار، راست می‌گویند؟ و آیا هر که مدعی ملاقات شد، باید پذیرفت؟ این‌ها و سؤال‌هایی از این دست، پیوسته در ذهن مشتاقان و منتظران اوست و «آرزوی دیدار»، یکی از مهم‌ترین آرزوهای چشم به راهان آن موعود الهی است. شک نیست که عده‌ای حضرتش را در خردسالی و در کنار پدر بزرگوارش دیده‌اند و امام عسکری (ع) او را به عنوان حجت خدا و امام بعدی به آنان معرفی کرده است. در دوره غیبت صغری هم آن چهار نماینده خاص، به حضورش

۱. علی محمد مسیحا.

می‌رسیدند و در این دیدارها نامه می‌گرفتند و نامه می‌دادند و با این ملاقات‌ها مشکلات فکری و اجتماعی پیروان حل و فصل می‌شد. جزا، کسان دیگری از بستگان و بعضی از یاران خالص مثل علی بن مهزیار او را دیده‌اند.

اما سخن از دوره غیبت کبری است. دیدن آن حضرت در این مقطع نیز محال نیست. به علاوه نمونه‌هایی هم نقل شده که افرادی به این افتخار، نائل شده‌اند.

گفتنی است که برخی آن حضرت را می‌بینند ولی نمی‌شناسند؛ بعضی پس از دیدار، متوجه می‌شوند آن که را دیدند، حضرت مهدی (عج) بود؛ عده‌ای نیز هرگز متوجه این نکته نمی‌شوند. بعضی هم آن حضرت را هنگام مشاهده می‌شناسند. این دیدار همراه با شناخت، یا بالاتر از آن، دیدار و صحبت و همنشینی و برخورداری از فیض حضور، چیزی است که برای انسان‌های اندکی پیش می‌آید، چون افتخاری عظیم است و لیاقت ویژه‌ای می‌طلبد. درک محضر او، برای کسانی میسر است که زندگی پاک، وارستگی اخلاقی و تقوای در حدّ بالا داشته باشند و خود حضرت هم به مصلحت بدانند که به چشم کسی دیده شود یا کسی را به حضور بطلبد.

در طول این همه سال، کسان بسیاری به دیدار او نائل شده‌اند. مؤلفان نیز برخی از این داستان‌ها را ثبت کرده‌اند. آنان که توفیق دیدار داشته‌اند، از همه طبقات بوده‌اند، چه علمای بزرگ و وارسته، چه افراد عادی و معمولی اما درست کردار و پاک. شیخ طبرسی در کتاب «أعلام الوری» و حاجی نوری در کتاب «النجم الثاقب» و «جَنَّةُ الْمَأْوَى» و علامه مجلسی در «بحار الأنوار» (ج ۵۲) و «دارالسلام» و کسانی دیگر، مجموعه‌ای از این حکایت‌ها را آورده‌اند و معجزات و کراماتی را که در این دیدارها مشاهده شده، نقل کرده‌اند.^۱ داستان

۱. مرحوم محدّث قمی در مفاتیح الجنان و منتهی الامال، حکایت‌هایی در این زمینه نقل کرده است.

تشرّف بزرگانی همچون سید بن طاووس، علامه حلی، سید بحر العلوم، مقدّس اردبیلی، میرزا مهدی اصفهانی و... مشهور است و در کتاب‌ها آمده است. در آثاری که به فارسی نگاشته شده نیز، نمونه‌هایی از این گونه داستان‌ها نقل شده است. خواندن و شنیدن آن‌ها، جان را صفای بخشد و ایمان را تقویت می‌کند. اما از یک نکته مهم نباید غفلت کرد و آن این که کسانی به دلایل مختلف، گاهی ادعاهای دروغ در مورد دیدن حضرت چه در خواب و چه در بیداری اظهار می‌کنند و این گونه حکایت‌ها، نقل و منتشر می‌شود و یک حقیقت ناب به خرافه و دروغ آمیخته می‌گردد. نتیجه‌ی دقتی در این گونه امور، رواج خرافات و شیعیات و سستی اعتقادات و نیز بهانه افتادن به دست دشمن برای استهزا است. همواره شیّدانی بوده‌اند که با نقل حکایت‌های بی‌اساس، عده‌ای را بفریبند. یا مرید خویش سازند و به مقاصد خویش برسند. دیدار حجت الهی و تشرّف به ملاقات آن ذخیره خداوند و صاحب زمین و زمان، آن چنان هم ساده و پیش پا افتاده نیست که هر کس مدّعی آن شود و عده‌ای را دور خود جمع کند. بسیاری از علمای بزرگ که به خدمت حضرت می‌رسیدند، این دیدار را به عنوان یک «راز مقدّس» پنهان می‌داشتند و به علنی شدن آن راضی نبودند و اگر به کسانی ویژه نقل می‌کردند، تعهد می‌گرفتند که تا زنده‌اند، به دیگران نگویند و این راز را فاش نسازند.

هر که را اسرار حق آموختند مهر کردند و دهانش دوختند

نه آن که به عنوان بازار گرمی، ادّعای ملاقات کنند و داستان‌های ملاقات را این سو و آن سو نقل کنند. بی‌آن که اصل دیدار را انکار کنیم، بسیاری از این گونه حکایت‌ها، جعلی و بی‌اساس است و نباید ساده لوحانه باور کرد. کم نبوده و نیستند کسانی که این گونه ادعاها کرده و عده‌ای را دور خود جمع کرده‌اند، آن گاه شیّدی و دروغ آنان آشکار شده و دستگیر گشته‌اند اعتقادهای مقدّس دینی مردم را نمی‌توان به بازیچه گرفتند و خرافات را رواج داد. دیدار

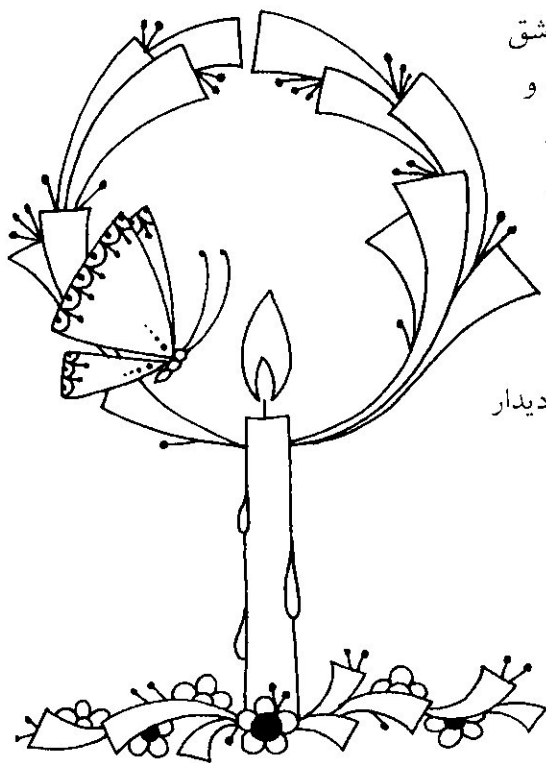
حضرت میسر است، ولی « آن را که خبر شد، خبری باز نیاورد ». بسیاری از راه یافتگان به وصال مولا، به خاطر پرهیز از شهرت یا گریز از مورد اتهام قرار گرفتن یا ترس از این که افراد سست ایمان باور نکنند، مهر سکوت بر لب زده و به کسی نگفته‌اند. این دیدار، در هر جا ممکن است اتفاق بیفتد و مخصوص مسجد خاص یا شهر و مکان معینی نیست.

پس در زمان غیبت، امکان ارتباط با امام زمان (عج) و فیض بردن از دیدار او وجود دارد، ولی قلبی پاک و زندگانی همراه با تقوا و دوری از گناه می‌خواهد. توسل به آن حضرت نیز مفید است. خواستن از خداوند به عنوان یک « حاجت مهم » راه دیگری است. البته

چنان نیست که هر کس عاشق دیدارش بود، هر کس پاک و متقی بود، هر کس به مسجد سهله در نجف یا مسجد جمکران در قم رفت، هر کس توسل شد، هر کس در صحرای عرفه در پی او به جست‌وجو پرداخت، موفق به دیدار شود.

۴۹

دیدار



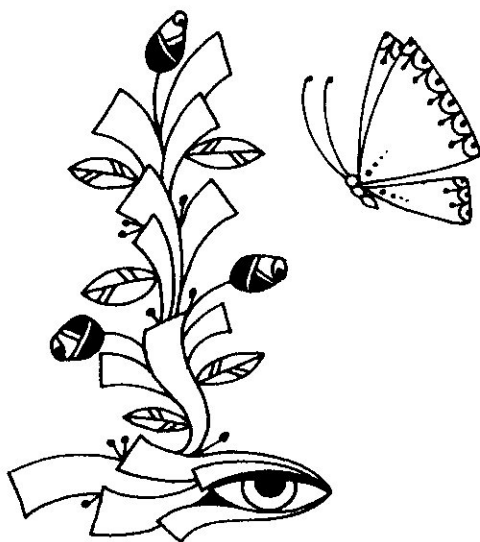
این‌ها همه از زمینه‌های این توفیق است نه شرط حتمی. مثل این که می‌گوییم:
ورزش در سلامتی انسان نقش مهمی دارد. معنایش این نیست که هر کس
ورزش کند هرگز مریض نمی‌شود!

عشق و پاکی و توجه و آرزو از سوی ماست، اما صلاح دید و توجه و عنایت
مهم‌تر از جانب آن حضرت. و گرنه کیست که تشنه دیدارش و آرزومند
ملاقات با حضرتش و گل چیدن از بوستان جمالش نباشد؟

ای جان جهان، امید انسان	تو مهدی و هادی و هدایی
هر کس نچشیده سوز هجران	شیرینی وصل در نیابد
اندوه جدایی‌ات فراوان	سرمایه صبر ما بسی کم
در آتش هجران مسوزان	زین بیشترای فروغ جان‌ها
بر «مائدة حضور» بنشان ^۱	بنشین و ز راه لطف، ما را



بسم الله الرحمن الرحیم



مدعیان دروغین

به حسن خلق و وفا کس به یار ما نرسد

تو را در این سخن، انکار کار مانرسد

اگر چه حسن فروشان به جلوه آمده‌اند

کسی به حسن و ملاححت به یار ما نرسد^۱
همیشه چیزهای ارزشمند و نفیس، نمونه‌های بدلی و دروغ هم داشته است،
مثل طلای مصنوعی یا اسکناس تقلبی یا اسناد و مدارک جعلی و ساختگی. در
تاریخ، افراد بسیاری با سوء استفاده از اعتقادات دینی مردم یا جاهل و ساده لوحی
برخی، ادعای پیغمبری کرده و جمعی را فریفته‌اند. نسبت به عقیده به امام
مهدی - عج - (مهدویت) نیز این گونه ادعاهای بی اساس بوده و هنوز هم کم
و بیش یافت می‌شود. گاهی کسانی خود را واسطه میان مردم و امام زمان معرفی
کرده‌اند، وقتی عده‌ای جاهل و ساده پذیرفته‌اند، گام را فراتر نهاده، ادعا کرده‌اند
که ما همان مهدی هستیم و جمعی را به بیراهه کشیده‌اند و دشمنان اسلام هم از
این گونه عناصر حمایت کرده‌اند، تا در بدنه امت اسلامی شکاف پدید

۱. حافظ شیرازی.

آید. (نمونه این، ادعاهای دروغین سران فرقه گمراه و وابسته به بیگانه «بہائیت» است). با این که مسلمانان در انتظار آن امام غایب به سر می برند، کسانی مدعی شده اند که دوران غیبت به سر آمده و ما همان «مهدی» هستیم که ظهور کرده ایم. و از این راه، عدّه ای را به دنبال خود کشیده اند. فرقه «بہائیه» و «قادیانیّه» که هر دو، مولود سیاست های شوم انگلیسی ها بود (اولی در ایران و دومی در آفریقا) جمع زیادی را به انحراف کشیدند و بنیان گذار هر دو (علی محمد باب و غلام احمد قادیانی) مزدور بیگانگان بودند.

«سید احمد ہندی» یکی دیگر از این دروغ پردازان بود که در سال ۱۲۴۳ ہجری درهند، ادعای مہدویت کرد. «محمد بن علی سنوسی» نیز در قرن سیزدهم در الجزایر و لیبی چنین ادعایی داشت. «مہدی سودانی» هم یکی دیگر از این دروغ پردازان بود که جمعی را فریفت و قدرتی به هم زد و در سال ۱۳۰۸ ہجری مرد.

این گونه حوادث در تاریخ اسلام، فراوان پیش آمده که باید مایه عبرت شود و به مسلمانان بصیرت و آگاهی دهد تا هر ادعایی را به راحتی قبول نکنند و سوء استفاده هایی را که به نام مذهب و باورهای دینی انجام می گیرد بشناسند. این که دولت انگلستان از «علی محمد باب» بنیان گذار بہائیت پشتیبانی می کند، این کہ حسین علی بہاء (جانشین وی) وقتی تحت فشار قرار می گیرد، از حمایت سفارت روس برخوردار می شود، این کہ امروز امریکا و اسرائیل از حامیان عمدہ بہائیان به شمار می روند، همه از نشانه های وابستگی این گونه مرام ها به بیگانگان است و برای نسل امروز و شیفتگان امام زمان (عج)، درس و پیام دارد.

اغلب، ریشہ پیدایش این گونه ادعاها و فرقه سازی ها، دنیاطلبی است. این خط شوم، سابقه ای کهن دارد. حتی در زمان های نزدیک به عصر آن امام و پس از اتمام دورہ ۶۹ سالہ غیبت صغری، کسانی با انگیزہ دنیاطلبی و دست یافتن به

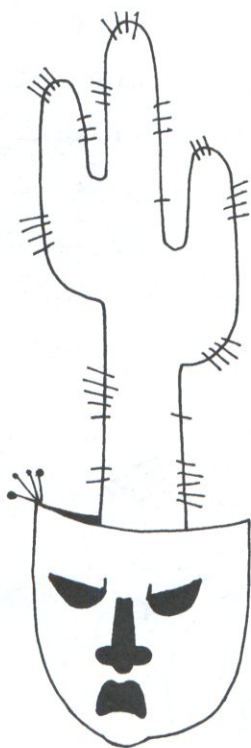
مال یا مقام و موقعیت اجتماعی و شهرت طلبی، مدعی سفارت و نمایندگی خاص از طرف امام زمان (عج) شدند. یکی از این چهره‌های دروغ‌پرداز کسی بود به نام «شلمغانی»، که امام در نامه‌ای که به حسین بن روح نوشت، گمراهی او را آشکار ساخت و از او بی‌زاری جست و او را لعنت کرد، تا دیگران به وسوسه نیفتند و از این گونه ادعاها نکنند. «ابودلف کاتب» و «محمد بن احمد بغدادی» هم از این گونه مدعیان دروغین بودند.

این خط انحرافی که ریشه در خودخواهی و ریاست‌طلبی دارد، هم اکنون نیز گاه‌گاهی نمود پیدا می‌کند و کسانی خود را «امام زمان» معرفی می‌کنند، یا خود را دارای ارتباطی ویژه با آن حضرت قلمداد می‌کنند و متأسفانه عده‌ای ساده لوح هم فریب خورده و در پی آنان می‌افتند و پس از چندی رسوایی و فساد و دروغ آنان آشکار می‌شود. یا کسانی به دروغ، ادعای دیدار امام زمان را دارند و چنین وانمود



می کنند که از آن حضرت، دستور و پیام می گیرند. از این راه عده‌ای عوام را نیز به عنوان « مرید »، به خودشان جذب می کنند و بیش از آن که توجه‌ها را به «امام» جلب کنند، به « خود» شان دعوت می کنند.

این، نشناختن و نادیده گرفتن عظمت وجودی آن حجت خداست. و گرنه، دلی که از بصیرت و باور آکنده باشد، در پی پدید آوردن پل‌هایی است که جان‌های مشتاق را به آن ساحت نورانی متصل سازد و « خود» را هیچ به حساب نیاورد.

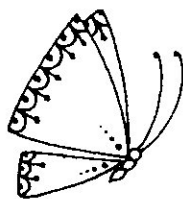


تو مرد برگزیده اعصاری
و... ارتباط روح تو با خالق بزرگ
در محتوای عشق نمی گنجد.
در خشکی مقدر دریا، موسایی
در شعله‌های سرکش نمرود، ابراهیم!
تاریخ، در غیاب تو بی تاب است
هر برگ سرخ این کتاب پریشان روز
در خاک می تپد
اما تو سرفراز و شکیبا
بر تارک بلند جهان ایستاده‌ای
و... خلق بی قرار قرون
در پی تو شعر شکفتن را، تکرار می کنند.
ای مهدی! ای عدالت موعود!
ای آرمان مجسم،
ای یاد سبز تو
همواره چلچراغ شبستان‌ها
روشنگر زمین و زمان‌ها....

یاران مهدی (عج)

۵۵

یاران مهدی
(عج)



ای بهار جاودان
ای ذخیره خدا برای این جهان
باد غربتی که می وزد به کوچه های بی تو،
بوی مرگ می دهد
بوی خستگی، فسرده گی
کوچه ها در انتظار یک نسیم روح بخش
سینه را گشوده اند،
کوچه ها همیشه عاشق تو بوده اند.^۱

* * *

باز هم عصری نورانی خواهد رسید، با محمدی دوباره و دعوت و جهادی دیگر.
خوشا آنان که دل در گرو عشق آن واپسین وصی پیامبر خدا و بقیة الله
دارند و از توفیق نصرت حق بهره می برند و با یاری حجت بن الحسن (عج)
رضای خدا را می خرند.

۱. از نویسنده.

حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) برنامه‌ای عظیم خواهد بود که سرنوشت و چهره جهان را تغییر خواهد داد. امام زمان در آن حرکت بزرگ، یارانی خواهد داشت که پیش از ظهور، آماده باشند و با قیام حضرت، به یاری او بشتابند و بازوان پرتوان او باشند. البته به یک معنا، همه کسانی که به او و نهضتش ایمان دارند و چشم به راه آمدن اویند و اگر ظهور کند در رکابش با ستمگران خواهند جنگید، یاوران مهدی (عج) اند.

اشتیاق،

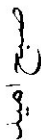
همچو سبزه بهاره، هر طرف دمیده است

انتظار،

همچو غنچه‌ای به شاخسار دل شکفته است

جمکران و ندبه‌ها و گریه‌ها

جلوه‌ای از انتظار و شوق ماست



اما آن چه به طور خاص به عنوان «اصحاب امام» از آنان یاد می‌شود، گروهی معین اند. آنان کیستند؟ اهل کجایند؟ چند نفرند و چه ویژگی‌هایی دارند؟ آیا به دنیا آمده‌اند یا هنوز متولد نشده‌اند؟

در روایات اسلامی، تعداد اصحاب ایشان ۳۱۳ نفر به عدد اصحاب پیامبر اسلام (ص) در جنگ بدر به شمار آمده است.^۱ این تعداد، افسران رشید و فرماندهان و مسئولان عالی رتبه حکومت او هستند که پرچم نهضت بر دوش آنان است^۲ و بیشترشان غیر عرب اند.

آنان از مناطقی چون قم، اصفهان، طالقان، نیشابور، ری، خراسان، اهواز، آذربایجان، قزوین، و... شهرهایی از ایران و سرزمین‌های عربی مثل مصر و شام

۱. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۸.

و عراق و یمن اند.^۱

برخی از این یاران، اگر تا زمان ظهور هم زنده نمانند، در آن لحظه به امر خداوند زنده می شوند و به یاری حضرت می شتابند. از جمله آنان مؤمن آل فرعون، یوشع وصی حضرت موسی، سلمان فارسی، مالک اشتر و ابودجانه انصاری است.^۲

حضرت عیسی هم از آسمان چهارم فرود می آید و در زمره یاران حضرت قرار می گیرد. شعیب بن صالح، پرچمدار حضرت مهدی است. نام اسماعیل فرزند امام صادق (ع) و عبدالله بن شریک، عقیل، صالح، جبرین خابور، مفضل بن عمر و اصحاب کهف، در زمره یاران ویژه حضرت آمده است.^۳ ایرانیان سهم عمده ای در این مجموعه ویژه از یاران دارند.

آنان که افتخاریاری او را دارند، بی شک صفات ویژه و برجسته ای دارند. از روایات چنین بر می آید که آنان آگاهان بصیر، پارسایان رها از تعلقات و وابستگی های دنیوی، صاحبان ایمان و عرفان، مصلحان مسلح، شیران روز و زاهدان شب (معجونی از اشک و آهن) و اهل رافت و صلابت و تهجد و جهادند. دل هایی فولادین و سرشار از یقین دارند، نستوه هایی پرتوان و بلند همت و مقاوم، که اگر بر کوه ها بشورند و بگذرند، آن ها را می شکافند و از جای می کنند، حق باورانی تسلیم و مطیع رهبر، شهادت طلبانی مشتاق دیدار خدا، فداکارانی پرورده سایه خطر ها و سختی ها و سلاح بردوشانی شیفته جهاد و شهادت اند. استقامت، نشان آنان و توکل ره توشه ایشان است. مردانی قویدل و آهنین اراده و نماز شب خوان و پارسا، که هر یک توان و قدرت چهل مرد را دارند،^۴ گرد امام

۱. طبری، دلائل الامامة، ص ۳۰۷، معرفة من شاهد صاحب الزمان (عج).

۲. حر عاملی، اثبات الهداة، ج ۳ ص ۵۵.

۳. نجم الدین طوسی، چشم اندازی از حکومت مهدی (عج)، ص ۱۰۲.

۴. إن الرجل منهم يعطى قوة أربعين رجلاً وإن قلبه لاشد من زبر الحديد. (صافی گلپایگانی منتخب الأثر، ص ۴۸۶).

حلقه می‌زنند و گوش به فرمان اویند. خداجویی، بصیرت و آگاهی، قوت قلب، عبادت و بندگی، نگهبانی از حدود الهی، دلیری و رزم آوری، فرمانبرداری و اطاعت محض از امام، ایثار و مواسات، زهد و ساده زیستی، نظم و انضباط تشکیلاتی از جمله صفاتی است که در روایات متعدد برای یاران حضرت بیان شده است.

امام جواد (ع) فرموده است: همراه حضرت قائم (عج)، صحیفه مهر شده‌ای است که نام همه اصحابش و شهرها و زینت‌ها و کُنیه‌های آنان در آن ثبت است، سلحشورانی‌اند که در راه خدا و اطاعت او تلاش‌گرند.^۱ تعبیر «لیوثُ بالنهار، رُهبانُ باللیل» (شیران روز و زاهدان شب) در روایات مکرری آمده است، که گویای بُعد عرفانی و حماسی آنان است. با ظهور امام، همه هر جا که هستند، خود را به مکه می‌رسانند تا تحت امر او به قیام برخیزند.

آراستگی و هماهنگی و نظم آنان در شکل و شمایل و لباس، از ویژگی‌های آنان است. به تعبیر حضرت علی (ع): گویا آنان را با چشم خود می‌بینم که همه یک رنگ و یک قد و جمالشان یکی و لباسشان یکسان است... که با حضرت مهدی (عج) بیعت می‌کنند.^۲ وقتی حضرت ظهور می‌کند و بین رکن و مقام در کنار کعبه ایستاده و یاران را فرا می‌خواند. صدای او همزمان به گوش همه اصحابش در شرق و غرب جهان می‌رسد، آنان به سرعت خود را به او می‌رسانند. در دست هر کدام شمشیری قرار می‌گیرد که نام هر یک و نام پدرش بر آن ثبت است. صبح جمعه‌ای که حضرت ظهور می‌کند، همه یاران بی استثنا در مکه حضور می‌یابند. حضور سریعشان یا با «طی الارض» (در نور دیده شدن زمین زیر پای انسان) است، یا با استفاده از سریع‌ترین وسایل مسافرتی آن روز. تعداد یاد شده با آن مشخصات، نیروها و یاران ویژه اویند. در روایات، عدد

۱. حیدر کاظمی، بشارة الاسلام، ص ۹.

۲. کاتانی أنظر اليهم، والزی واحدٌ والقُد واحدٌ والجمال واحدٌ واللباس واحدٌ... (ابن طاووس، الملاحم والفتن، ص ۱۲۲).

ده هزار، چهار هزار، و ارقام دیگر هم نقل شده که بخش‌هایی از سربازان او را بیان می‌کند. نیز چنین آمده که وقتی ۳۱۳ نفر در مکه با او بیعت کردند، در مکه توقف می‌کند تا عدد یارانش به ده هزار برسد، آن گاه به سوی مدینه حرکت می‌کند.^۱ در حدیثی امام صادق (ع) می‌فرماید: حضرت ظهور نمی‌کند مگر آن که حلقه و تعداد آنان کامل گردد. می‌پرسند: تعدادشان چند نفر است؟ می‌فرماید:

ده هزار نفر.^۲ به ادعای شیخ حرّعاملی: در روایت است که تعداد کامل سپاه، صد هزار نفر است.^۳

منتظران راستین، در طلیعه این حرکت خجسته و نجات‌بخش، حضور دارند و امام خویش را یاری می‌کنند. در دعا‌های ما بسیار مطرح شده است که: خدایا ما را از انصار، یاوران، مدافعان، مجاهدان در رکابش و

شهدای در راهش قرار بده.^۴ این نشان می‌دهد که یاران او، جبهه گسترده حزب الله و جان بر کفان راه خدایند.

در پایان این بخش، حدیثی از امام صادق (ع) می‌آوریم که گوشه‌ای از خصال یاران مهدی (عج) را بیان می‌کند:

آن شیر مردان، شب نمی‌خوابند. در نمازشان زمزمه‌ای است چون صدای زنبوران عسل.



۱. نجم الدین طبری، چشم اندازی از حکومت مهدی (عج)، ص ۱۱۸.

۲. حرّعاملی، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۵.

۳. همان، ص ۵۷۸.

۴. واجعلنا من أعوانه وأنصاره و شيعته و الذابین عنه والمُسْتَشْهِدین بَیْن یدیه.

تا بامداد به عبادت خدا می پردازند و صبح گاهان بر مرکب هایشان سوار می شوند. راهبان و عابدان شب و شیران روزند. گوش به فرمانان امام اند، همچون مشعل های فروزان درخشانند. دل های روشن آنان مثل قندیل های نور در سینه هایشان است. این مردان از خداوند می ترسند، دعا و خواسته شان شهادت است، آرزو می کنند که در راه خدا کشته شوند. شعارشان به خون خواهی امام حسین، «یا ثاراتِ الحسین» است. به هر سوی که روی آورند، ترس از آنان پیشاپیش به اندازه مسیر یک ماه در دل دشمن می افتد.^۱

همه، فداکارانی پاکدل و باعزم، در رکاب آن وعده قرون!
و چه زیباست چشم انداز آن ایام الله نورانی.

از مشرق حماسی قرآن طلوع کرد

مردی به وسعت همه جاده های سبز

در دست های پر طپش آیه های صبح

بر شانه های روشن او یک ردای سبز

ای بادهای هرزه! چه بیهوده می وزید

وقتی درخت مانده و یک مقتدای سبز

نیلوفرانه باز به خورشید می رسیم

بادست های پر شده از یک دعای سبز

فردا بهار، فصل بزرگی است، بی گمان

فردا که می رسیم به یک انتهای سبز^۲

۱. «... رجالٌ لا ينامون الليل. لهم دوى في صلاتهم كدوى النحل. يبيتون قياماً على أطرافهم و يصبحون على خيولهم. رهبان بالليل، ليوت بالنهار، هم أطوع له من الأمة لسيدها، كالمصابيح، كان قلوبهم القناديل و هم من خشية الله مشفقون، يدعون بالشهادة و يتمنون أن يقتلوا في سبيل الله، شعارهم: «يا ثاراتِ الحسین»
اذا ساروا يسير الرعب امامهم، مسيرة شهر.

۲. انسيه موسويان.

زمان ظهور

۶۱

زمان ظهور

ای بهار جاودان!

ای بهار آفرین!

ما درانتظارمقدم تویییم

ای امید آخرین!

راستی آن دوران طلایی و عصر ظهور، کی خواهد بود؟

این سؤال‌ها که در دعای «ندبه» نیز آمده، در عمق جان همه ماست که: آیا امروز ما به فردای روشن تو پیوند خواهد خورد؟ کی وارد چشمه‌سار گوارای حضورت خواهیم شد و سیراب خواهیم گشت؟ کی صبحگاهان تو را دیده و چشممان روشن خواهد شد؟ کی ما را می‌بینی و ما تو را مشاهده می‌کنیم، در حالی که پرچم پیروزی را گشوده‌ای؟ کی خواهد بود زمانی که پیرامون تو حلقه بزنییم و تو پیشوایی مردم را عهده دار شوی و جهان را پر از عدل و داد کنی و به دشمنان، خواری و عذاب بپشانی؟^۱

چه کس می‌داند که آن روز، کی فرا خواهد رسید؟ زمان ظهور، از اسرار

۱. هَلْ يَتَصَلُّ يَوْمَئِذٍ مِنْكَ بَعْدَ [بَعْدِهِ] فَتَحْظِي؟ مَتَى تَرِدُ مَنَاهِلَكَ الرَّوِيَّةَ فَتَرَوِي... (دعای ندبه).

الهی است و خداوند کسی را بر این راز، واقف نساخته است و همین نوعی آزمایش برای ایمان و اخلاص مردم است. در روایات نیز، کسانی را که وقت معین و سال مشخصی را تعیین می کنند، دروغگو و اهل افترا دانسته اند.^۱ در حدیثی است که حضرت در نامه‌ای به نماینده اش محمد بن عثمان در پاسخ برخی سؤال‌ها از جمله زمان ظهور و فرج، چنین نگاشت:

... أَمَا ظَهَرَ الْفَرَجُ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ وَ كَذَبَ الْوَقَاتُونَ. «ظهور فرج، آن به امر خدا بستگی دارد و آنان

که وقت تعیین می کنند، دروغ می گویند.

در حدیث دیگری فضیل از امام باقر (ع) می پرسد:

آیا برای ظهور حضرت، وقت معینی است؟ حضرت در پاسخ سه بار می فرماید: «کذب

الوقاتون»، وقت تعیین کنندگان دروغ می گویند.^۳

این نشان می دهد که چه آن زمان و چه در زمان های بعد، زمینه این گونه وقت گذاری ها بوده که امامان به شدت آن را رد کرده اند. در زمان ما نیز هر چند وقت یک بار، شایعاتی پدید می آید و از قول برخی، سال خاصی را تعیین می کنند. هیچ یک از این ها مورد اعتماد نیست. امر فرج آن حضرت و اذن قیام از سوی خدا ناگهانی خواهد بود و علم به زمان دقیق آن تنها نزد خداوند است. البته شرایط و نشانه هایی که نزدیک شدن عصر ظهور را بیان می کند، در روایات آمده است که ویژگی هایی کلی را نشان می دهد، نه وقت خاص را. به آن ها «علائم ظهور» می گویند که در بخش دیگر، توضیحی در این زمینه می خوانید.

آن لحظه مبارک و دوست داشتنی، یکی از ایام الله است. زیباترین جلوه هستی را در طلیعه آمدن آن پیشوای موعود می توان شاهد بود، روزی که پایان

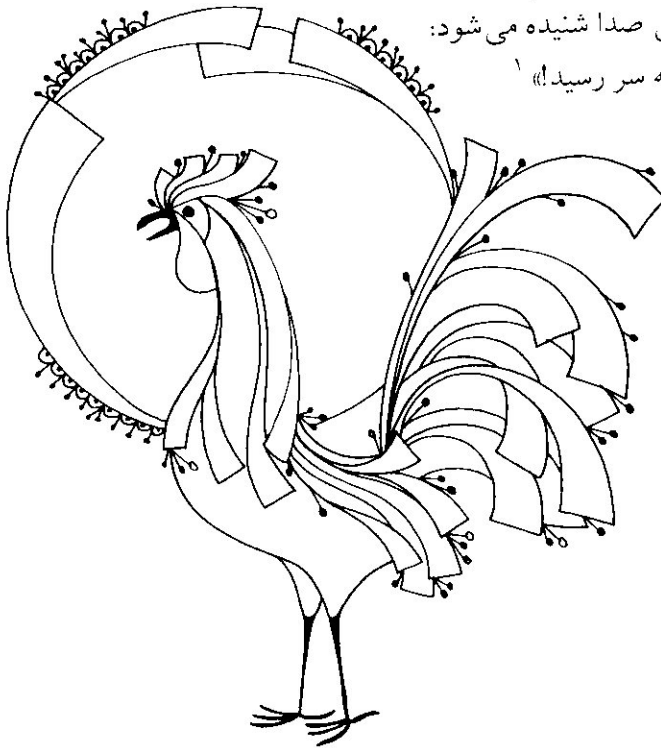
۱. من وقت لمهدینا فقد شارك الله في علمه و ادعى أنه ظهر على سيرة (بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳).

۲. همان، ص ۱۸۱.

۳. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۶۱.

غم‌ها و آغاز کامیابی‌هاست.
«مانده‌ام،

بر چهار راه انتظار
چهار راه چشم‌های سرخ، خنده‌های سرد
سینه‌ام صراحی غم است
شب، شب بلاست
روز، روز ماتم است
در کدام شب، در کدام روز
این شنیدنی صدا شنیده می‌شود:
انتظارتان به سر رسید!»^۱



علائم ظهور

با آن که بی نشان، در هر کرانه‌ای
از توست ای ولیّ ولایت نشانه‌ای

هم در میان نئی تو و هم در میانه‌ای
ای خانه خدا، که خداوند خانه‌ای^۱

از کجا می‌توان فهمید که به «عصر ظهور» نزدیک تر شده‌ایم؟ نشانه‌های آن دوران و شواهدی که گویای نزدیکی ظهور و فرج باشد چیست؟ آن چه به عنوان «آخر الزمان» مطرح است، چه زمانی است و ویژگی‌های آن کدام است، آیا آخر الزمان شده است؟

دانستیم که از وقت دقیق ظهور حضرت، کسی جز خدا آگاه نیست هر کس وقت دقیقی تعیین کند، دروغ گفته است. اما قرائن و شواهدی در روایات است که خبر از نزدیک شدن آن «روزگار رهایی» می‌دهد. درباره «علائم ظهور» کتاب‌های متعددی از قدیم تا کنون نوشته‌اند. احادیث بسیاری هم این علائم را بازگو کرده است. این علائم، برخی حوادث و اتفاقات خاصی است که در آستانه

۱. حکیم صفای اصفهانی.

قیام آن حضرت رخ می‌دهد، برخی نشانه‌های کلی از اوضاع جامعه و مردم و رفتارها و روحیات را پیش از ظهور تشریح می‌کند، برخی هم رخدادهای شگفت و نشانه‌های عجیب و رمز گونه است، که تطبیق آن‌ها بر اتفاقاتی که پیش می‌آید، دشوار است و به راحتی نمی‌توان اطمینان یافت که این، همان است که در احادیث آمده است.

این نکته را هم بیفزاییم که بین «شرایط ظهور» و «علائم ظهور» تفاوت است. شرایط، آن زمینه‌های فکری و روحی مردم و وضع جامعه و دولت‌ها و نظام‌های بشری در آستانه ظهور است. علائم ظهور، رخدادهای بی سابقه و گاهی شگفت است که از نزدیک شدن آن حادثه مبارک خبر می‌دهد و منتظران را آماده پیوستن به جبهه بزرگ حضرت مهدی (عج) می‌سازد.

در روایاتی که جو عمومی جوامع اسلامی را پیش از ظهور تشریح می‌کند، به نشانه‌های فراوان و گوناگونی برمی‌خوریم، از قبیل: رواج بیش از حد گناهان، علنی شدن فسق و فجور، شراب‌خواری [آشکارا] و قماربازی و مفساد اخلاقی، افزایش تقلب و تزویر و نیرنگ و دروغ و رشوه و ریا و بدعت و سخن چینی و بی‌حیایی، فراگیر شدن ظلم، شبا‌هت مردان به زنان و زنان به مردان در رفتار و قیافه و لباس، رواج آرایش در میان مردان، ترک شدن امر به معروف و نهی از منکر، پرداخت نکردن زکات و خمس، ترک صلوة رحم و ترحم بر هموعان، تسلط و نفوذ بیگانگان بر مسلمانان، مرگ و میرهای ناگهانی فراوان، جنگ‌ها و نزاع‌های زیاد، قساوت دل‌ها، پرداختن مردم به لهو و لعب، کاهش بارندگی و کمبود ارزاق و گرانی نرخ اجناس، خشک شدن رودخانه‌ها، غریب شدن اسلام و خوار شدن مؤمنان و قدرت یافتن اشرار، کاسته شدن از حرمت و احترام پیران و سالخورده‌گان، بی‌اعتنایی به حلال و حرام الهی، برچیده شدن برکت از عمرها و مال‌ها و زندگی‌ها، آشفتگی اوضاع جهان، تحقیر شدن دانشمندان، به حکومت رسیدن کودکان و نوجوانان و سفیهان، نواختن موسیقی و نی و بر بطن در مساجد،

اختلاط زن و مرد، گستاخی و پررویی و بی حیایی زنان، چیره شدن زنان بر مردان، رواج بی حجابی و برهنگی زنان، خیانت شریکان به یکدیگر، زیاد شدن مدعیان نبوت، پذیرش قسم و شهادت دروغ، فراوان شدن حرص و طمع، تفسیر شدن قرآن طبق امیال و هوس‌ها، تلاوت قرآن بانی و موسیقی، از یاد رفتن خدا و قیامت، حلال شمردن محرمات، بی غیرت شدن مردان، تأمین زندگی مردان از راه درآمد نامشروع زنان، گسترش عمل زشت لواط و هم جنس بازی و ازدواج با هم جنس، معروف به شمار آمدن منکرات، ترک شدن نماز صبح و نماز در مساجد و... نشانه‌هایی که وجود بیشتر یا همه این‌ها را به صورت کم و زیاد، در جامعه خویش و کشورهای اسلامی و در سطح جهان شاهدیم. علائمی از این قبیل، در مجموع نشان می‌دهد اوضاع جهان و مردم مطلوب نیست و فساد، عالم گیر شده و دوره «آخرالزمان» رسیده و احساس نیاز می‌شود که یک مصلح غیبی ظهور کند و مفاسد را از جهان برچیند.

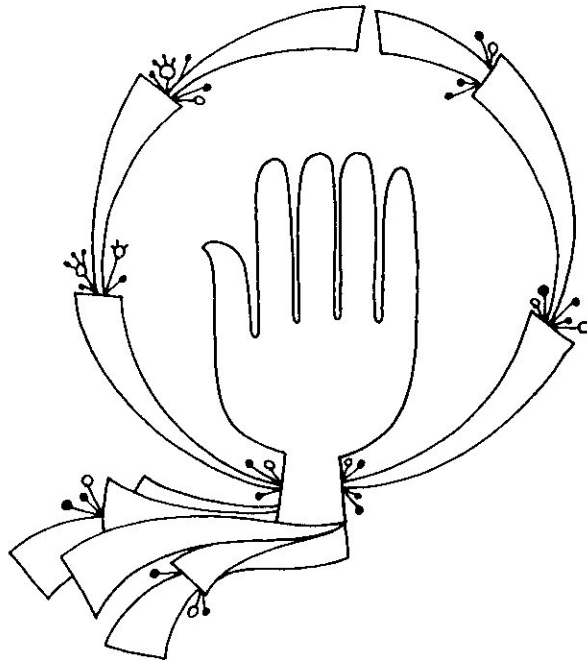
برخی از نشانه‌ها کمی واضح تر و مشخص تر است و اتفاقات یا شرایط خاصی را در جای خاصی بیان می‌کند. آن‌ها هم بسیار است؛ مثلاً این نشانه‌ها: فرا گرفتن آب، نجف و کوفه را، سلب آسایش و آرامش از عراق، چیرگی ایرانیان بر عرب‌ها، اشغال بصره و فرا گرفتن آب بصره را، ویرانی بلخ، آبادی بیت المقدس، کشته شدن پادشاهان مصر و شام، نصب شدن پرچم خراسانی در کنار دجله، به حرکت در آمدن پرچم‌هایی از مراکش و از کنار جیحون، پیشروی ترک‌ها تا شط العرب، امضای پیمان‌های چهارگانه، ویرانی حبشه با زلزله، خشکیدن علم و دانش از نجف و جوشیدن آن از قم، شنیده شدن بانگ آسمانی در ماه رمضان، تأیید شدن دین به دست یک ایرانی، بسته شدن راه حج، ویرانی ری، قیام سید خراسانی از خراسان، قیام شعیب از طالقان، طلوع خورشید از مغرب، بروز فاجعه‌ای در منا، چیره شدن قبطیان بر مصر، فرو ریختن قسمتی از مسجد شام، طعمه حریق شدن کعبه، حوادث خونبار در لبنان، ویران شدن مسجد کوفه و مسجد بُراثا و

قضایایی از این قبیل.

تحلیل و تفسیر این حوادث و نشانه‌ها چیست؟ آیا این‌ها اتفاق افتاده، یا رخ خواهد داد؟ عده‌ای، بعضی از این حوادث را بر برخی اتفاقات، تطبیق داده‌اند و گفته‌اند مقصود از فلان نشانه همان است که در فلان جا اتفاق افتاد. ولی با اطمینان و یقین نمی‌توان این گونه تطبیق‌ها را پذیرفت. گاهی خلاف آن آشکار می‌شود و نادرستی آن تطبیق، روشن می‌گردد. ولی از مجموع این‌ها نیز این برداشت را می‌توان کرد که در آستانه ظهور حضرت مهدی (عج)، جهان از نظر امنیت و وضع اقتصادی و آبادانی و صلح، آشفته است و نیاز به یک مصلح غیبی به شدت احساس می‌شود.

سومین نوع از نشانه‌ها، علائم ویژه‌ای است که با پدید آمدن آن قطعاً می‌توان به نزدیک شدن زمان ظهور اطمینان یافت. برخی از این‌ها در آستانه ظهور و قیام آن حضرت اتفاق می‌افتد. به چند نمونه از این علائم نیز اشاره می‌شود:

۱- «خروج سفیانی»: مردی پلید از نسل ابوسفیان که نامش «عثمان بن



عنبسه» و مخالف اهل بیت - علیهم السلام - است، در منطقه شام (سوریه، فلسطین، اردن...) قیام می کند و شهرهایی را به تصرف در می آورد و قتل و غارت به راه می اندازد، سپس در منطقه ای بین مکه و مدینه سپاه او به زمین فرو می روند و خودش می گریزد و پس از ظهور امام زمان (عج)، سرانجام در بیت المقدس کشته می شود.

۲- «خروج سید حسنی»: مردی از بزرگان شیعه و از نسل امام مجتبی (ع) در منطقه قزوین و دیلم قیام می کند و مردم را به اهل بیت دعوت می کند و شهرهایی را فتح می کند، در مسیر کوفه خبر ظهور امام زمان را می شنود، خود را به امام می رساند و با وی بیعت می کند.

۳- «صیحه آسمانی»: در آستانه ظهور، صدایی و ندایی آسمانی و رسا از آسمان شنیده می شود که خبر از ظهور امام زمان (عج) می دهد و همه را به بیعت و تبعیت آن حضرت فرا می خواند.

۴- «نزول حضرت مسیح»: به گفته روایات آن حضرت از آسمان فرود می آید و در نماز، به امام زمان اقتدا می کند و از پیروان او می شود.

۵- «کشته شدن نفس زکیه»: مردی از تبار پیامبر خدا و دعوتگر به حق و پیرو خاندان رسالت که قیام می کند و در مکه، بین رکن و مقام، سرش را از تن جدا می کنند.

۶- «قیام یمانی»: مردی ظلم ستیز از یمن قیام می کند و به کوفه می رسد و با سپاه خویش به نبرد با سفیانی می پردازد و سپاه سفیانی شکست می خورد.

نشانه های دیگری از این قبیل در روایات آمده که تقریباً در زمانی نزدیک به هم و در آستانه ظهور رخ می دهد و از این اتفاقات، مردم پی به نزدیک شدن ظهور آن مصلح جهانی می برند. برخی از این حوادث در امتداد خود به ظهور حضرت متصل می شود. برخی از این علائم، صد در صد حتمی است. در روایتی

از امام صادق (ع) آمده است که:

پیش از قیام مهدی (عج) پنج علامت حتمی است: یمانی، سفیانی، صیحه، قتل نفس زکیه و فرورفتن در زمین.^۱

درباره علامت یاد شده، تحلیل ها و تفسیرهای گوناگونی می شود و گاهی هم بر حوادث یا اشخاص معینی تطبیق داده می شود. ولی تفسیر درست و قطعی آن ها در روایات، بسیار دشوار است و کم نبوده و نیستند کسانی که در این زمینه به خطا رفته اند.

اما هر چه هست، او آمدنی است. گر چه نهان است، ولی آثار وجودی او همه جا عیان است، چرا که او روح جاری زمین و زمان است و وعده الهی روزی بر متن باورها یمان خواهد نشست.

من از این جاده ها پرسیده ام، امسال می آیی

مرا با خود از این جا میبری، ای روح صحرایی

مرا در یاب، ای نامت سر آغاز شکفتن ها

دل پاییزی ام پوسیده از آوار تنهایی

اگر در چشم هایم حرمت پرواز می بینی

زمین روح مرا آزرده، ای زیبای بالایی

کسی شاید نمی داند، ولی من خوب می دانم

ظهورت سهمگین است و سراپایت تماشایی

تو ای زیباتر از زیباترین صبح خداوندی

نجاتم می دهی می دانم از این ناشکیبایی

تمام جاده لبریز است از هُرم نفس هایت

من از این جاده ها پرسیده ام، امسال می آیی^۲

۱. قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ خَمْسُ عِلَامَاتٍ مُحْتَمَاتٍ: الْيَمَانِيُّ وَالسَّفْيَانِيُّ وَالصِّحَّةُ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ وَالْخُسْفُ بِالْبَيْدَاءِ (بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۰۴).

۲. اسحاق راهب .

چگونه و از کجا؟

جهان به حسرت دیدار، می زند پر و بال
 بیا، بیا، که بشر جز در آرزوی تو نیست
 تو خود، شکفتن خود را ز حق تمنا کن

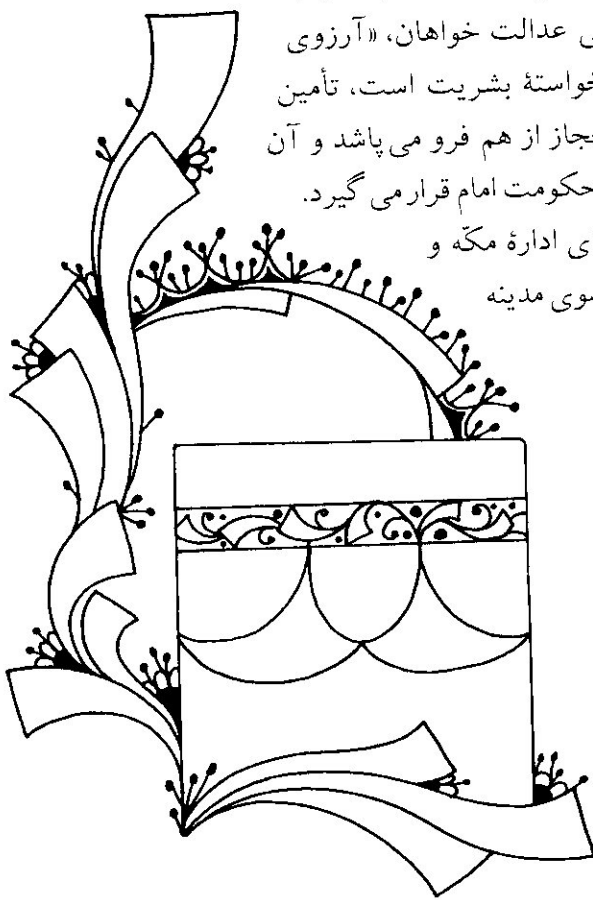
در این چمن گل سرخی به رنگ و بوی تو نیست^۱

سر انجام، وعده الهی تحقق خواهد یافت، ولی چگونه و از کجا؟
 به گفته روایات، در آستانه ظهور، ندایی آسمانی در ماه مبارک رمضان
 طنین افکن می شود که همه آن را می شنوند. یاران او، یک شبه، بی آن که قرار
 قبلی باشد، بامدادان در مکه حضور یافته به دیدار حضرت می شتابند؛ در حالی
 که نام حسین (ع) را بر لب دارند و شعارشان «یا ثارات الحسین» است.
 به مردی وارسته به نام «نفس زکیه» از سوی امام، مأموریت ابلاغ پیام به
 مردم مکه داده می شود، اما او را کنار کعبه به شهادت می رسانند.
 روز قیام حضرت، روز جمعه است. هنگام ظهور، در مقام ابراهیم نماز می خواند
 و از کنار کعبه قیام خود را آغاز می کند. در نخستین سخنرانی خود، که با تکیه

۱. غفور زاده (شفق).

به خانه خدا و حجرالاسود ابراد می کند، خود را بقیة الله و عصاره آدم و نوح و ابراهیم و عیسی (ع) و محمد (ص) و امامان شیعه معرفی می کند و ندای مظلومیت خاندان رسالت را به گوش جهانیان می رساند و جهانیان را به یاری فرامی خواند تا حکومت عدل جهانی را بر پا سازد. یاران ویژه اش که حضور دارند، با وی بیعت می کنند. گروهی عظیم به این نهضت می پیوندند و آغاز حرکت از مکه، با سپاهی ده هزار نفری انجام می شود.

قیام او مسلحانه است. «قیام به شمشیر»، اشاره به آن است که کار او صرفاً پیام رسانی یا حرکت فرهنگی نیست، بلکه با تکیه به قدرت و سلاح و پشتیبانی عدالت خواهان، «آرزوی عدالت جهانی» را که خواسته بشریت است، تأمین می کند. نظام حاکم بر حجاز از هم فرو می پاشد و آن منطقه به سرعت در قلمرو حکومت امام قرار می گیرد. امام، فرد شایسته ای را برای اداره مکه و اطراف آن می گمارد و به سوی مدینه



رهسپار می شود. مسیر بعدی او به سمت عراق است. کوفه در عصر آن حضر، دوباره شکوه و جایگاه پیشین خود را باز می یابد. امام، کوفه را مرکز حکومت خویش قرار می دهد و در آن نماز جمعه می خواند. راستی که پایتخت حکومت مهدی (عج) چه شکوهی دارد و نماز خواندن با امام زمان در مسجد بزرگ کوفه، چه لذتی!

۷۲

}

گام بعدی حرکت به سوی شام است، تادمشق را مهد شکفتن انقلاب مقدس سازد و بساط فریب و بیداد «سفیانی» را درهم کوبد. آن گاه با لشکری عظیم به سمت قدس و فلسطین می رود و ذخیره ها و یادگارهای پیامبران را در «بیت المقدس» آشکار می سازد. جنبش ارتجاعی سفیانی در مقابله با امام زمان شکست می خورد و امام، پیروزمندانه وارد فلسطین می شود. در آن سرزمین است که عیسای مسیح (ع) برای بیعت با مهدی (عج) از آسمان فرود می آید و به تقویت جبهه حق و یاری حرکت جهانی امام زمان (عج) می پردازد و پشت سر آن حضرت نماز می خواند، تا پیشوایی جهانی او را تأیید کرده باشد. این اقدام، در پیوستن مسیحیان جهان به دعوت امام زمان بسیار مؤثر است.

رفته رفته دامنه فتوحات سپاه مهدی (عج) و قلمرو حکومت امام زمان گسترده و جهانی می شود، به مصر می رود و زمین را با عدالت آشنا می کند. چین و قسطنطنیه و روم را فتح می کند. قلعه ها و دژها گشوده می شود و مقاومت های مخالفان حق درهم می شکند. در همه این مراحل، فرشتگان خدا با نصرت و یثقه خویش، آن حضرت را یاری می کنند و با امداد الهی، حضرت مهدی (عج) پایه های حکومت توحیدی و عدالت گستر را در سطح جهان مستحکم می کند. نحوه غلبه او بر قدرت های نظامی و استکباری بعداً گفته خواهد شد و ویژگی های حکومت او خواهد آمد.

بی شک، روزگار دولت مهدی (عج) دوران گسترش عدل و حاکمیت دین و برقراری «صلح جهانی» است. ستمدیدگان و مستضعفان به نجات و رهایی و

پیشوایی زمین می‌رسند. پس از آن غیبت طولانی که چشمی او را نمی‌دید، دیگر چشمی نیست که او را نبیند. هر کس هر کجا که باشد، صدای او را می‌شنود و خود او را می‌بیند. نام پر آوازه و فرمان نافذ او همه جا پر می‌شود. حق و عدل، پس از یک دوران طولانی افول و گمنامی، می‌درخشد. این روز و آن امام، خواهد آمد.

با دستی از شکوفه، از راه خواهد آمد

در لحظه‌ای پر از گل، ناگاه خواهد آمد

آن روز، آخرین روز، از عمر انتظار است

پایان فصل سردی، آغاز نوبهار است^۱

احیاگری سنت محمدی (ص)، کاری است دشوار که با قیام حضرت مهدی (عج) انجام خواهد یافت و همه جهان مستخر فرمان او خواهد بود و از کسی که «قائم» از لقب‌های ویژه اوست، همین انتظار می‌رود.

تویی که نام تو، راز قیام دریاهاست

غبار راه تو بودن، مرام دریاهاست

کدام جمعه؟ همین جمعه؟ جمعه‌ای دیگر؟

بیا که وقت جواب سلام دریاهاست

از آفتاب ظهور تو، موج موج، غزل

مُدام، ورد لب نقره فام دریاهاست

چو رودهای جهان، حرف آخرم این است:

منم کسی که امامم، امام دریاهاست^۲

۱. جعفر ابراهیمی (شاهد).

۲. پژک صفری.

غلبه بر قدرت‌ها

ستاره‌ای به شب ماهنوز پا بر جاست
 امید روشن فردا هنوز پا بر جاست
 اگر چه پر شده آفاق خاک، از ظلمت
 ظهور عشق، به دنیا هنوز پا بر جاست
 مسافران پریشان! دوباره برگردید
 امید پنجره ماهنوز پا بر جاست^۱

هر چند دنیای روز و حکام جهان به مخرب‌ترین و پیشرفته‌ترین سلاح‌ها مجهزند، ولی خواست خداوند و خواسته مردم زمینه ساز حاکمیت عدل جهانی و شکست قدرت‌های مسلط خواهد بود. در روایات، نحوه مبارزه و قیام حضرت مهدی (عج) مسلحانه یاد شده است. تعبیر «خروج بالسیف» حتماً به معنای شمشیر نیست. شمشیر نماد سلاح رزمی است. مقابله امام زمان (عج) با قدرت‌های اهریمنی با سلاح‌های پیشرفته خواهد بود، و گرنه جنگیدن با شمشیر در مقابل موشک‌های قاره پیما و بمب‌های اتمی و میکروبی پذیرفتنی نیست.

۱. عبدالرضا جانسپار.

البته امداد‌های غیبی و نصرت الهی و یاری فرشتگان و ضربه‌های غیر قابل پیش‌بینی بردشمنان نیز خواهد بود. وحشت و هراسی که در دل مستکبران خواهد افتاد، زمینه‌ساز شکست آنان خواهد شد. در روایات، هم از نصرت الهی به وسیله فرشتگان سخن به میان آمده است، هم از نیروی رعب و وحشت که شکست روحی به ابرقدرت‌ها وارد می‌سازد و قدرت تصمیم‌گیری را از آنان می‌گیرد. امام صادق (ع) می‌فرماید:

قائم ما به وسیله رعب، یاری می‌شود.^۱

و از امام باقر (ع) نقل شده است که هنگام قیام حضرت قائم، خداوند به وسیله فرشتگان نشان دار و صف کشیده که همراه جبرئیل و میکائیل اند، یاری می‌شود و رعب و هراس، پیشاپیش و اطراف او همه جا را در می‌نوردد...^۲ دل‌های مردم و انتظار جهانی و خستگی بشر از نظام‌های حاکم و چشم دوختن به یک مصلح بزرگ و رشد فکری و تکامل عقلی مردم جهان و حالت پذیرش نسبت به یک حکومت عادلانه قدرتمند جهانی از عوامل دیگری است که بستری مناسب برای غلبه امام زمان (عج) فراهم می‌سازد و پیشاپیش، قلعه دل‌ها و اندیشه‌ها را فتح می‌کند. در عین حال، میدان‌های عظیم مبارزه و لشکرکشی‌های بزرگ و جهادهای خونین وجود خواهد داشت و یاران امام زمان در رکاب او به فیض جهاد و شهادت خواهند رسید و ماه‌ها این مبارزات مقدس ادامه خواهد داشت، تا حکومت مهدوی در سراسر جهان مستقر گردد. خداوند متعال، پیامبر اسلام و یارانش را نیز که به جهادی حماسی می‌پرداختند، هم با نصرت غیبی و امداد فرشتگان یاری می‌کرد،^۳ هم در دل کافران رعب و وحشت می‌انداخت،^۴ هم

۱. ان القائم منا منصور بالرعب مؤيد بالنصر... (صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۴۶۷).

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۸.

۳. انفال (۸)، آیه ۹ و ۱۰.

۴. سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ (آل عمران (۳)، آیه ۱۵۱).

گاهی عوامل طبیعی را به نفع سپاه حق به جریان می انداخت و گردش خورشید و وزش باد و ریزش باران در هوا و زمین و دریا به نفع آن حضرت بود. خدایی که همه هستی مسخر فرمان اوست، نسبت به یاری امام زمان هم چنین خواهد کرد. به هر حال، تنها سلاح نیست که مؤثر است، خواست عمومی جهانیان و اراده های انسان های مصمم و با ایمان بر تکنولوژی غلبه می کند و شهادت طلبی، معادله ها را بر هم می زند.

برخی هم چنین تحلیل کرده اند که شاید قبل از ظهور وی، جنگ جهانی سوم رخ دهد و سلاح های پیشرفته در جنگ ها به کار گرفته شود و بخش عظیمی از انسان ها کشته شوند و تکنیک ها و سلاح های مدرن نابود شود و صورت جنگ، به دوران های کهن برگردد، و خستگی مردم از جنگ های خانمان سوز و ظهور منجی جهانی، پیوستن توده های عظیم را به حرکت اصلاحی آخر الزمان در پی داشته باشد، چون جهانیان تشنه صلح و عدالت جهانی می شوند و آغوش به روی قائم آل محمد (عج) می گشایند. در عین حال، گردن کشانی هم خواهند بود که با قدرت یاران مهدی (عج) نابود می گردند.

از یاد نبریم که عمر طولانی، غیبت امام زمان، فراهم شدن مقدمات ظهور، تحقق علائم و نشانه های فرارسیدن آن روز موعود و وجود مبارک امام عصر (عج) همه و همه ابعادی غیبی و الهی دارد و در حاکمیت یافتن آن ذخیره خدا و بقیه الله بر همه جهان، اراده و مشیت خداوند هم کارساز خواهد بود. وقتی در احادیث چنین آمده که اسلحه دشمن بر سلاح های دفاعی حضرت مهدی (عج) کارگر نیست و یاران آن حضرت با هر سپاهی درگیر شوند، آنان را در لحظه ای نابود می کنند و سلاح دشمن بر آنان بی تأثیر است.^۱ و نصرت خدا او را تأیید و پشتیبانی می کند و زمین زیر پای او در نور دیده می شود، سپاه سفیانی در منطقه ای

به کام زمین فرو می رود، گنجینه های زمین برای آن حضرت آشکار می شود و... همه این ها نشانه بعد غیبی و الهی کار او و غلبه بر جهان و شکست دادن مستکبران است. او نشانه رحمت الهی بر مؤمنان و تازیانه خشم الهی بر جبّاران و ستمگران است.

آرزوی ما، تحقق وعده های پروردگار بر نصرت مؤمنان و حاکمیت صالحان و برچیده شدن بساط ستم از جهان است. روزی که آن «تکسوار عرصه عشق» ظهور کند و صبح ظفر بدمد، منتظران صالح در رکاب او به فتح دل ها و گشودن سنگرهای کلیدی جهان خواهند پرداخت.

«باد از بیشه سر سبز دعا می آید،

از گلستان مفاتیح و جنان،

منتظر باید بود.

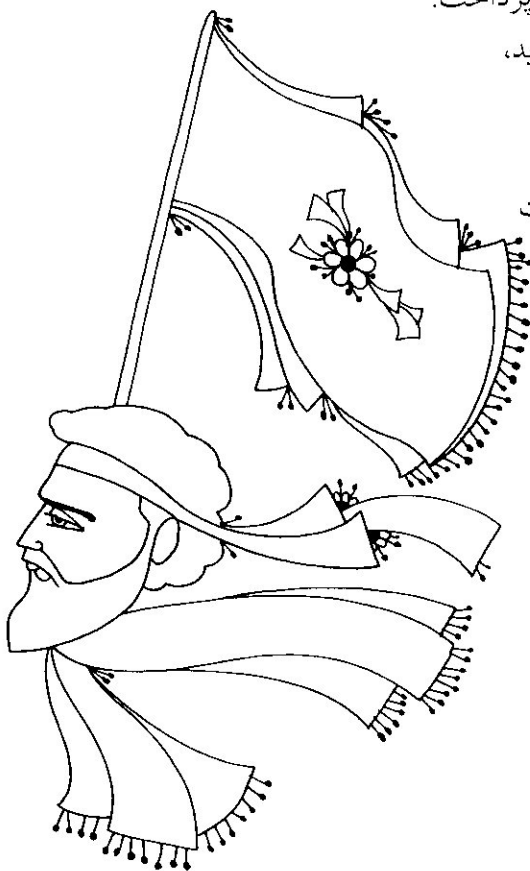
فصل بوییدن گل نزدیک است

عطریک جمعه سبز

فصل گل نزدیک است.»

۷۷

غلبه بر قدرت ها



جهان در عصر مهدی (عج)

به چشمه‌ها خبر بده، که پر ترانه تر شوند
به آب و آسمان بگو که شاعرانه تر شوند

ز راه می‌رسد کسی که درس می‌دهد به آب
و دست‌های او پراز شقایق است و آفتاب

کسی که چشم می‌دهد، به کورهای این زمین

میان راه هیچ کس، کسی نمی‌کند کمین^۱

نوید آن روزهای خجسته و دوران ظهور، امید بخش است و انگیزه آفرین.
جامعه‌ایده آلی که در آن روزگار خواهد بود، چگونه است؟ وضع معیشت و
زندگی، فرهنگ عمومی، سطح اقتصاد، امنیت و آسایش و برخورداری از مواهب
و اجرای قانون و ایجاد عدالت اجتماعی چگونه خواهد بود؟ انبوهی از روایات،
چشم انداز زیبایی از آن روزگار را ترسیم می‌کند. امام علی (ع) فرموده است:
مهدی (عج) از اصحاب خویش پیمان و بیعت می‌گیرد که سرقت و فساد
نکنند، مُحَرِّمی را نکشند، حریمی را هتک نکنند، به ناحق به خانه‌ای هجوم

۱. ناصر کشاورز.

نبرند و کسی رامورد ضرب و شتم قرار ندهند، زر و سیم نیندوزند، گندم و جو احتکار نکنند، مال یتیم نخورند، ندانسته شهادت ندهند، راهزنی نکنند، مساجد را ویران نسازند، از آلودگی‌ها بیرهیزند، امر به معروف و نهی از منکر کنند، لباس خشن بپوشند، در پیشگاه خدا سر بر خاک نهند و در راه خدا، آن گونه که شایسته است، جهاد کنند...^۱

وقتی یاران او مأمور به چنین رفتاری باشند، روشن است که وضع جامعه برخوردار از «امنیت» و «عدالت» و «سعادت» و «رفاه» و این‌ها همه در سایه «معنویت» خواهد بود.

در آن روزگار، رفاه مادی و عدالت اقتصادی و وفور نعمت‌های الهی همه جا را خواهد گرفت. فقیر و نیازمندی یافت نخواهد شد، سطح زندگی‌ها چنان بالا خواهد رفت که در داد و ستدها، مسلمان از مسلمان سود نخواهد گرفت. سنت محمدی (ص) احیا خواهد گشت. تحریف‌ها از چهره حقایق دینی زدوده خواهد شد. معارف اسلام و احکام از یاد رفته و حقایق پنهان، آن چنان روشن خواهد گشت که بعضی می‌پندارند امام زمان (عج) دین تازه‌ای آورده است! همه داورى‌ها به عدالت خواهد بود و چهره زندگی حیات دوباره خواهد یافت.

رشد علمی و صنعتی از ویژگی‌های دیگر آن دوران است. هم عقل‌ها در سایه عنایت حضرت مهدی (عج) به کمال می‌رسد، هم سطح دانش‌ها بالا می‌رود. به فرموده امام صادق (ع):

همه دانش‌ها ۲۷ حرف است. آن چه پیامبران آورده‌اند، تنها دو حرف از آن‌هاست. هنگامی که قائم ماقیام کند، ۲۵ حرف دیگر را بیرون آورده، میان مردم منتشر می‌سازد.^۲



۱. صافی گلپایگانی، منتخب‌الآثر، ص ۴۹۶.

۲. بحار‌الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶.

این رمزی از همان بالا رفتن سطح دانش است. دانش دین و معارف اهل بیت هم گسترش فوق العاده‌ای خواهد یافت و این معرفت بالا، حتی زنان خانه‌نشین را هم فرا خواهد گرفت. امام باقر(ع) فرموده است: در روزگار مهدی(عج) به اندازه‌ای دانش و حکمت به شما می‌دهد که یک زن در خانه‌اش بر طبق کتاب خدا و سنت پیامبر، قضاوت می‌کند.^۱

مساجد بزرگ ساخته خواهد شد که همه، پایگاه نشردانش خواهد گشت. در آن دوران، مردم به عبادت و دین روی می‌آورند، نمازها به جماعت برگزار می‌شود. کینه‌ها بر طرف می‌شود و صلح و دوستی در دل‌ها جای می‌گیرد. دل‌های مردم در صلابت و استواری چون کوه می‌شود. عاطفه‌ها نسبت به یکدیگر بیشتر می‌گردد. راه‌ها امن می‌شود و مردم در امنیت قضایی به سر می‌برند. خون‌ها به ناحق ریخته نمی‌شود. امنیت جهانی حتی دنیای حیوانات را هم فرا می‌گیرد و به اصطلاح، گرگ و میش در کنار هم و مصون از حمله می‌مانند. به گفته روایات: زمین از چنان امنیتی برخوردار می‌شود که زنی تنها از این سوی دنیا به آن سو و از حیره به مکه می‌رود، و از کسی جز از خدانی ترسد. شکوفایی اقتصادی ویژگی دیگر آن عصر است. به فرموده امام باقر(ع):

وقتی قائم اهل بیت قیام کند، بیت‌المال را یکسان و عادلانه میان مردم تقسیم می‌کند، ثروت‌های روی زمین و زیر زمین نزد امام زمان گرد می‌آید. وی خطاب به مردم می‌فرماید: «بیایید و بگیرید و...» آن چنان به مردم در بخشش را می‌گشاید که سابقه نداشته است.^۲

و به گفته پیامبر اکرم(ص):

مهدی(عج) گنج‌های زیر زمین را بیرون آورده، اموال را میان مردم تقسیم می‌کند و اسلام

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

۲. نعمانی، الغیبه ص ۲۳۷.

شکوه گذشته خود را باز می‌یابد.^۱

و ده‌ها نمونه دیگر که همه حاکی از زدوده شدن فقر و رشد اقتصادی است.

امام صادق (ع) هم فرموده است:

دارندگان زکات، در پی کسی می‌گردند که به

عنوان فقیر و نیازمند به او زکات بدهند، ولی پیدانمی‌کنند.^۲

عمران و آبادی همه جار می‌گیرد و شهرها با عدل و احسان آباد می‌شوند و توسعه می‌یابند. رونق کشاورزی و سرسبزی زمین و فراوانی باران و سرشاری رودها و چاه‌ها از آب و پرباری درخت‌ها و افزایش دام‌ها و... از ویژگی‌های دیگر آن دوران است.^۳ در عصر ظهور و در سایه فرمانروایی حضرت مهدی (عج)، عمرها طولانی و نسل انسان‌ها افزوده و دردها برطرف خواهد شد. به فرموده امام صادق (ع): پس از قیام حضرت قائم، خداوند بیماری‌ها را از مؤمنان دور می‌سازد و تندرستی را به بیماران باز می‌گرداند.^۴ خوف و هراس از دل شیعیان برداشته شده، در دل دشمنان جای می‌گیرد.

این‌ها و ده‌ها نمونه دیگر، ترسیمی از آن آینده تابناک است که قدرت باطل درهم می‌شکند و حق، آشکار و حاکم می‌شود و کاخ‌های به ناروا افراشته ویران می‌گردد. هر که مطیع او گردد عزت می‌یابد و هر که ناسازگاری و دشمنی نشان دهد ذلیل می‌گردد. فروغش کره خاک را درخشان می‌کند و عدالتش جهانگیر می‌شود.

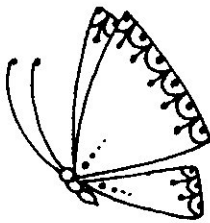
این‌ها امیدهایی است که به آینده داریم. این نویدها را پیشوایان دین به ما داده‌اند. از این رو به آینده بشریت امیدواریم و در انتظار طلوعی نشستیم که

۱. سید بن طاووس، ملاحم، ص ۶۹.

۲. مفید، الارشاد، ص ۳۴۴.

۳. الاختصاص، مفید، ص ۲۰۸.

۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴.



جهان را زیر بال عدل و داد بگیرد و وعده الهی تحقق پذیرد.

می رسی،

فاصله پل می شود

می نگری، آینه گل می شود.

پرده را

دست تو از پنجره پس می زنند

آفتاب، می دمد

پنجره درنور، نفس می زنند.

لحظه ها، با تو سفر می کنند.

جاده ها، از تو گذر می کنند.

از ته پس کوچه دلواپسی

می رسی

نام تو،

تکیه کلام همه بادهاست!

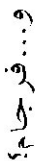
۸۲

بسم الله الرحمن الرحیم



و... فرجام؟

۸۳



ای آفتاب نیمه شعبان	ای مهدی! ای سلاله پاکان
ای آشنای دین محمد	ای وارث شریعت احمد
تو مجری قواعد دینی	تو صاحب زمان و زمینی
فرمانروا شوند ضعیفان	باز آ، که در حکومت قرآن

و... پایان آن دوران و فرجام عصر نور و ظهور چه خواهد شد و سرنوشت حکومت جهانی مهدی (عج) به کجا خواهد انجامید و آن روزگار، چند سال طول خواهد کشید و پس از آن چه پیش خواهد آمد؟

برای ماراهی جز توجه به روایات معصومین - علیهم السلام - برای شناخت حوادث آینده نیست. آن چه هم در احادیث آمده، یکسان نیست؛ مثلاً مدت حکومت او هفت سال، نه سال، ده سال، نوزده سال و چند ماه، بیست سال، چهل سال، هفتاد سال، ۳۰۹ سال (به اندازه سال های درنگ اصحاب کهف در غار)^۱ و... بیان شده است. در حدیثی آمده است که حکومت آن حضرت هفت سال خواهد بود و هر سال آن، برابر با ده سال از سال های شماس^۲، که نشان می دهد سال های

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

۲. مفید. الارشاد، ص ۳۸۵.



آن هفت سال، با سال‌های معمولی فرق دارد. قدر یقینی که کمتر از آن در روایات بیان نشده است، هفت سال است. مقدار نوزده سال و چند ماه در احادیث متعددی از امامان معصوم - علیهم السلام - نقل شده است.^۱ در حدیثی، امام باقر (ع) ادامه حکومت جهانی پس از امام زمان را ۳۰۹ سال فرموده و مدت حکومت حضرت مهدی (عج) از زمان قیام تا وفاتش را نوزده سال بیان کرده است.^۲ پس از ظهور، در کوفه اقامت می‌کند، مسجد سهله خانه او می‌شود و مسجد کوفه، نمازگاه و مصلاهی بزرگ او می‌گردد.^۳ و به فرموده پیامبر اکرم (ص) در حدیثی، آن حضرت نه یا ده سال حکومت می‌کند و خوشبخت‌ترین مردم نسبت به او و دولت حقّه‌اش مردم کوفه‌اند.^۴ به هر حال، حکومت او «عدل فراگیر» خواهد بود و دامنه‌اش همه جا را خواهد گرفت. علی (ع) فرموده است:

لشکر مهدی (عج) ارتش دجال را نابود می‌سازد و زمین را از وجود ناپاک آنان پاک ساخته، از آن پس فرمانروای شرق و غرب زمین می‌شود و از «جابر قا» تا «جابر سا» را می‌گشاید و بر همه کشورها چیره می‌گردد و حکومت او تثبیت می‌شود.^۵

لیکن این حکومت ابدی نیست و عمر حضرت قائم (عج) را هم نهایی و دولت عدلش را هم پایانی است.

طبق اعتقاد شیعه، «رجعت» به معنای بازگشت دوباره برخی از انسان‌های گذشته و زنده شدنشان در عصر امام زمان (عج) حتمی است، هم از انسان‌های خیلی پاک و شایسته، هم از عناصر بسیار خبیث و جفاکار، آنان برای حکومت

۱. امام صادق (ع): مُلک القائم مِائَتِ عَشْرَةِ سَنَةٍ وَ أَشْهُرٍ (بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۹۸).

۲. مفید، الاختصاص، ص ۲۵۷.

۳. حر عاملی، اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۵۲.

۴. همان، ص ۶۰۹.

۵. قاضی نورالله شوشتری، احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۴۱.

و اینان برای مجازات. از سوی دیگر، عقیده داریم که امام معصوم را جز امام معصوم غسل نمی دهد و به خاک نمی سپارد. سرانجام حضرت مهدی (عج) هم از دنیا خواهد رفت، ولی چگونه؟ و چه کسی بر او نماز خواهد خواند؟ روایات می گویند: نخستین کسی که زنده می شود و در عصر رجعت، به دنیا باز می گردد، حسین بن علی (ع) است، پیشوای مظلوم و شهیدی که حضرت قائم (عج)، منتقم خون اوست. او همراه یارانش دوباره زنده می شوند، در حالی که هنوز امام زمان (عج) در میان مردم است. چون مردم نسبت به وجود و حضور او ایمان و معرفت می یابند و این باور در دل ها جای

می گیرد، زمان در گذشت حضرت

مهدی (عج) فرا می رسد. امام

حسین (ع) عهده دار غسل و

کفن و دفن آن حضرت

می شود، چرا که غیر از وصی،

وصی را تجهیز و آماده

خاکسپاری نمی کند.^۱

چگونگی شهادت آن

حضرت در برخی منابع به

این صورت آمده است



که زنی به نام سعیده از طایفه بنی تمیم، در حالی که امام زمان (ع) در حال عبور از راهی است، سنگی به سوی آن حضرت می افکند و در پی آن ضربه، به شهادت می رسد.^۱

روایات، گویای آن است که ائمه - علیهم السلام - یکی پس از دیگری در این رجعت و حیات دوباره شرکت خواهند داشت و در تداوم حکومت مهدی (عج) به زمامداری خواهند پرداخت. برخی از بندگان شایسته نیز این توفیق را خواهند داشت. در بعضی از زیارت نامه ها، «ایمان به رجعت ائمه - علیهم السلام -» مطرح است.^۲ نیز از خواسته های ما در برخی دعاها، آرزوی حیات مجدد در دوره رجعت امامان و قدرت یافتن در ایام حکومت آنان است.^۳

تدبیر خدا برای وراثت صالحان و حکومت مستضعفان، در عصر حضرت حجت (عج) جامه عمل می پوشد. صالحان وارث زمین و زمان می شوند و این دوران خوش و نورانی نیز، محدود است. وقتی که جهان با حکمت الهی چهره عدالت و طعم قسط را دید و چشید، مقدمات قیامت فراهم می شود. ولی کی؟ و تا چند سال بعد؟ خداوند خودش می داند.

گفتنی است، که دولت عدل مهدی (عج) در پایانی ترین فصول تاریخ جهان است و از آن پس، رستاخیز فرا می رسد، با فاصله ای که میان دنیا و آخرت است و طی کردن دوران برزخ، برای آنان که روی در نقاب خاک می کشند و از دنیا می روند.

خوشا آنان که آن دوران را، که «عصر حاکمیت ایمان» است ببینند و از برکاتش بهره مند شوند.

ما نیز این آرزو و اشتیاق را در دل خود می پروریم و با اشک چشم و از چشمه

۱. سید محمد صدر، تاریخ ما بعد الظهور، ص ۸۸۱ (به نقل از الزام الناصب، ص ۱۹۰).

۲. مؤمن بآپایکم، مُصدّق بر رجعتکم، مُنظرّ لأمرکم، مُرتقب لدولتکم (زیارت جامعه کبیره، مفاتیح الجنان).

۳. و اخیانی فی رجعتکم و ملکئی فی آیاتکم (بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۹۲).

انتظار، آن را آبیاری می کنیم و پیوسته با حضرت مهدی (عج) این گونه راز
می گوئیم و شوق خود را ابراز می داریم:

«ای خواهش مسلم انسان!

حتی خیال و خواب تو، رمزی است از حضور

و یادگار سبز قدم هایت

در کوچه های سرخ تظلم،

بر جای مانده است.

تو زحمت مداوم انسان را

بر دوش می کشی

و حجت خدای محمد (ص)

در راستای نام تو تفسیر می شود.

ای عطر دیر پای جمالت

در گوشه گوشه این عالم شگفت

تو مرد بر گزیده اعصاری!

ای باور بزرگ زمان، بیکرانه ای

عشقی، حماسه ای، فضیلت نوری

در وادی تو، خیل خرابان، روانه اند.

آخر تو، ای امید مکرر

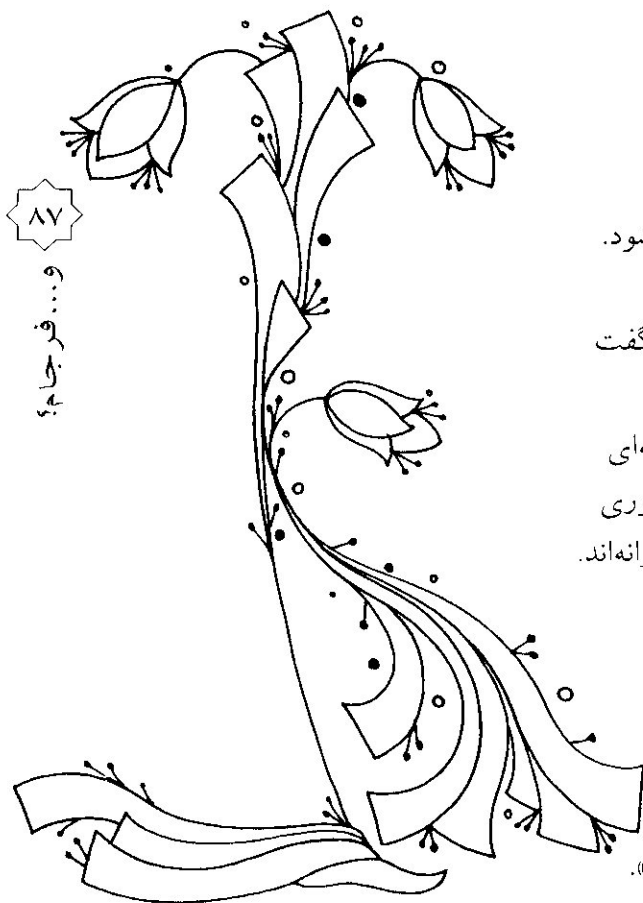
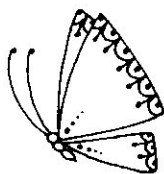
کجاست معبر پنهانت؟

ای آیت عدالت موعود

ای عمق انتظار!

در گیر و دار حادثه،

دریاب، عاشقان حضورت را».



کتاب نامه

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن طاووس، ابی القاسم علی بن موسی، الملاحم والفتن، مؤسسة الاعلمی، بیروت ۱۳۹۸ هـ. ق.
- ۳- تهرانی، شیخ آقا بزرگ، الذریعه، دارالاضواء، بیروت ۱۴۱۲ هـ. ق.
- ۴- حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداة، دارالکتب الاسلامیه، تهران [بی تا].
- ۵- حکیمی، محمد رضا، خورشید مغرب، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۶۲.
- ۶- خمینی، امام روح الله، کلمات قصار، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران ۱۳۶۷ ش.
- ۷- شوشتری، قاضی نورالله، احقاق الحق، کتاب خانه آیه... مرعشی، قم [بی تا].
- ۸- صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، مکتبه الداوری، قم ۱۳۶۲ ش.
- ۹- صدر، سید محمد، تاریخ ما بعد الظهور، دارالتعارف، بیروت ۱۴۰۲ هـ. ق.
- ۱۰- صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمه، انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم) قم [بی تا].
- ۱۱- طبسی، نجم الدین، چشم اندازی از حکومت مهدی (عج)، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران ۱۳۶۷ ش.
- ۱۲- طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، الغیبه، مؤسسة المعارف الاسلامیه، قم ۱۴۱۱ هـ. ق.
- ۱۳- قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی (عج) از ولادت تا ظهور، نشر الهادی، قم [بی تا].
- ۱۴- قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۶۵.
- ۱۵- کاظمی، سید مصطفی، بشاره الاسلام، نجف [بی تا].
- ۱۶- کامل سلیمان، یوم الخلاص، ترجمه علی اکبر مهدی پور، نشر آفاق، قم ۱۳۷۲ ش.
- ۱۷- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسة الوفاء، بیروت ۱۴۰۳ هـ. ق.
- ۱۸- مفید، محمد بن نعمان، الاختصاص، انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم) قم ۱۴۱۴ هـ. ق.
- ۱۹- _____، الارشاد فی معرفه
- ۲۰- نعمانی، محمد بن ابراهیم بن جعفر، الغیبه، مکتبه الصدوق، تهران ۱۴۱۵ هـ. ق.

مؤسسه بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)
از مجموعه کتابهای مؤسسه فرهنگی انتظار نور (برای نوجوانان) منتشر کرده است:

حسین فتاحی

جواد محدّثی

محمود پوروهّاب

جمعی از نویسندگان

روز آرزوها

صبح امید (اثر حاضر)

کجاست رد پای تو؟

شمع و پروانه

Şobhe Omid

[A glance at the subject of the expectation
of Imām Mahdī (S.A.)]

By

Javād moḥaddeši



Būstān-e Ketāb-e Qom, press

(The center of publication of the office
of Islamic Propagation of the
Islamic Seminary of Qom)

Qum, I. R. IRAN, P.O. Box: 37185.917

phon no: +982517742155-7 Fax: +982517742154

<http://www.bustaneketab.com>

E-mail: bustan@bustaneketab.com

شابک: ۸-۸۵-۸۶۸۶-۹۶۴ ISBN

I SBN 964- 8686- 85- 8



9 789648 686852

ناشر سال ۱۳۷۵، ۱۳۷۸، ۱۳۸۲ و دیگر مدارزات فرهنگ و ارشاد اسلامی؛

ناشر سال ۱۳۷۷، ۱۳۷۹، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ حوزه علمیه؛

ناشر سال ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ دانشجویی؛

ناشر برگزیده هفتم و یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۱؛

ناشر سال ۱۳۷۸، تهران؛

۱۳۷۵ اثر برگزیده در جشنواره‌های مختلفی کتاب سال کشور، حوزه، دانشجویی، ولایت، کنگره دین و جوانان و...